



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



سید محمد اسحاق امینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرفه و عرفات

نویسنده:

عباس اسلامی کاشانی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	عرفه و عرفات
۹	مشخصات کتاب
۹	دیباچه
۱۹	مقدمه
۲۳	بخش اول: عرفه روز نیایش
۲۳	اشاره
۲۵	گفتار اول: جایگاه روز عرفه
۲۵	۱. اهمیت روز عرفه
۲۶	۲. فضیلت‌های روز عرفه از چشم‌انداز قرآن و روایات
۲۶	الف) عرفه در آیین‌قرآن کریم
۲۷	ب) عرفه در آیین روایت‌ها
۳۳	۳. امامت و روز عرفه
۳۸	۴. فضیلت‌های زیارت امام حسین (ع) در روز عرفه
۴۱	گفتار دوم: آیین نیایش
۴۱	اشاره
۴۱	۱. نیایش از چشم‌انداز آیه‌های قرآن کریم
۴۵	۲. فضیلت نیایش
۵۳	۳. اسباب استجاب دعا
۵۳	اشاره
۵۳	الف) زمان دعا
۵۵	ب) مکان دعا
۵۶	ج) اسم اعظم

- ۵۷ (د) ترکیب دعا و زمان خاص
- ۵۷ (ه) ترکیب دعا و مکان خاص
- ۵۷ (و) ترکیب دعا با عمل خاص
- ۵۷ ۴. آداب نیایش
- ۵۷ الف) دعای با گریه
- ۶۰ ب) دعای با توجه
- ۶۱ ج) اعتراف به تقصیر
- ۶۵ گفتار سوم: مهمترین نیایشهای وارده در روز عرفه
- ۶۵ ۱. نیایش عرفه حضرت اباعبدالله الحسین (ع)
- ۶۵ اشاره
- ۶۵ الف) مضمون عرفانی نیایش عرفه اباعبدالله الحسین (ع)
- ۶۸ ب) سند نیایش
- ۷۱ ۲. نیایش عرفه امام سجاد (ع)
- ۷۱ الف) اهمیت صحیفه مبارکه سجّادیه
- ۷۳ ب) نیایش عرفه صحیفه مبارکه سجّادیه
- ۷۵ بخش دوم: عرفات سرزمین عشق
- ۷۵ اشاره
- ۷۷ گفتار اول: جایگاه سرزمین عرفات
- ۷۷ ۱. موقعیت جغرافیایی سرزمین عرفات
- ۸۳ ۲. فلسفه نامگذاری صحرای عرفات
- ۹۱ گفتار دوم: فضیلت‌های عرفات در آئینه کتاب و سنت
- ۹۱ ۱. فضیلت سرزمین عرفات در آئینه قرآن کریم
- ۹۵ ۲. فضیلت سرزمین عرفات در آئینه روایت‌ها
- ۹۵ الف) اسرار وقوف عرفات

- ۱۰۲ (ب) عرفات، تجلی‌گاه بندگی
- ۱۰۶ (ج) عرفات، محل استجابت دعا
- ۱۰۸ (د) عرفاتیان، مشمول مغفرت خاصه الهی‌اند
- ۱۱۱ (ه) عرفات، در ورود به حرم
- ۱۱۲ (و) مقام شفاعت
- ۱۱۳ ۳. عرفات در آینه کلام بزرگان اهل سلوک
- ۱۱۳ الف) توصیه‌های اخلاقی
- ۱۱۷ (ب) داستان‌های عرفانی
- ۱۱۷ اظهار پشیمانی از اعمال گذشته
- ۱۱۸ پاداش عمل
- ۱۱۹ غفّار الذّنوب
- ۱۲۰ رحمت بی‌منتهای الهی
- ۱۲۰ امید به درگاه خداوند
- ۱۲۲ عرفات، تجلی‌گاه لطف الهی
- ۱۲۵ گفتار سوم: صحرای عرفات، صحنه نیایش اولیای الهی
- ۱۲۵ اشاره
- ۱۲۵ ۱. وقوف انبیای عظام (علیهم‌السلام) در صحرای عرفات
- ۱۲۵ الف) حضرت آدم (ع) و صحرای عرفات
- ۱۲۷ (ب) حضرت ابراهیم (ع) و صحرای عرفات
- ۱۲۸ (ج) حضرت خضر (ع) و صحرای عرفات
- ۱۲۸ (د) پیامبر گرامی اسلام (ص) و صحرای عرفات
- ۱۲۹ ۲. حضور امام عصر (عج) در عرفات
- ۱۲۹ اشاره
- ۱۳۱ الف) مغنّم شمردن فرصت حضور در سرزمین عشق

- ۱۳۲ (ب) حکایت‌هایی در مورد وصال به حضرت ولی‌عصر (عج)
- ۱۳۲ یاری حجاج به وسیله امام عصر (عج)
- ۱۳۳ ای دل! اگر عاشقی، در طلب یار باش
- ۱۳۵ کتابنامه
- ۱۴۸ درباره مرکز

عرفه و عرفات

مشخصات کتاب

سرشناسه : اسلامی کاشانی، سیدعباس، ۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدآور : عرفه و عرفات / سیدعباس اسلامی کاشانی.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۳۹ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۸۹-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : دعای روز عرفه

موضوع : وقوف در عرفات

رده بندی کنگره : BP۲۷۰/ع۴۲۲الف۵ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۷۰۸۸۷

ص: ۱

دیباچه

ص: ۹

در بحث دعا و نیایش، پیش از آنکه بدانیم چرا باید دعا کنیم و دعا کردن چه سودی دارد، باید درباره موضوع عشق و معرفت بیشتر بدانیم.

عشق و معرفت، روشنی‌بخش‌اند؛ تا جایی که انسان را کد را به حرکت وامی‌دارند و او را با معشوق کامل و محبوب مطلق، پیوند می‌دهند.

دعا و نیایش، نیاز فطری هر انسان و جوهر زندگی و روح حیات و نشانه عشق و محبت است و در مقابل، زندگی بدون دعا و نیایش، خشک، سرد و بی‌روح است. تنها محبوب و معشوقی که شایسته نیایش و ستایش است، خداوند متعال است.

ما در هر زمان و مکان و با هر زبانی می‌توانیم خدای خود را بخوانیم و با او راز و نیاز کنیم؛ اما برخی ایام و بعضی دعاها از ویژگی‌های متمایزی برخوردارند؛ به طوری که با خواندن برخی دعاها در روزهای

ص: ۱۰

ویژه، ارتباط‌معدن‌دار و عمیقی با خدای خود برقرار می‌کنیم؛ زیرا این دعاها از زبان انسان‌هایی صادر شده که کلامشان سرشار از فصاحت، بلاغت و شیوایی ویژه‌ای است و در شناخت پروردگار و شیوه گفت‌وگویی با او، از معرفت، توحید و بصیرت کاملی برخوردارند. دعای عرفه در روز عرفه از جمله این ادعیه و روزهای خاص است.

بنابراین، با خواندن این گونه دعاها، می‌توانیم عمیق‌تر، صحیح‌تر، غنی‌تر و زیباتر با پروردگار خود مناجات کنیم و به راز و نیاز پردازیم.

کتاب حاضر، با عنوان «عرفه و عرفات»، اثر استاد محقق، حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای سیدعباس اسلامی کاشانی، به اهمیت نیایش از زبان سالار شهیدان، امام حسین (ع) در روز عرفه و صحرای عرفات پرداخته و با بهره‌گیری از آیات و روایات، اثری ماندگار و خواندنی برجای گذاشته است. امید که با مطالعه این اثر ارزشمند، بسیار زیباتر و صمیمی‌تر بتوانیم با پروردگار خود ارتباط برقرار کنیم.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه اخلاق و اسرار

ص: ۱۱

مقدمه

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي (طه: ۲۵-۲۸)

خداوند بالا و پستی تویی ندانم چه‌ای، هرچه هستی تویی (۱)

دعا و نیایش روح را تهذیب، نفس را تزکیه، اندیشه را تصفیه و تردید را از دل می‌زداید و راه رشد و کمال را به انسان می‌نمایاند. یکی از زیباترین نیایش‌های وارده از معصومان (علیهم‌السلام)، دعای عرفه امام حسین (ع) است. چهل و هفتمین دعای «صحیفه سجاده» نیز دعای عرفه امام سجاد (ع) در روز عرفه است.

نیایش عرفه، مدرسه عرفان و زمزم معرفت است. امام در صحرای عرفات و عصر روز عرفه، در زمان و مکانی شریف این دعا را ایراد

ص: ۱۲

کردند. عرفان اسلامی که سیر و سلوک در مسیر رسیدن به قرب الهی است، در سرتاسر این دعای شریف، موج می‌زند و به خوبی حس می‌شود؛ به عنوان نمونه می‌توان رسیدن به فنای فی‌الله را تنها از این فراز دعای حضرت که می‌فرماید: «
أَيُّكُونُ لَغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ» ، به روشنی دریافت.

کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟ کی رفته‌ای زدل که تمنا کنم تو را؟
غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را
با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را (۱)

در این کتاب، دعای عرفه، با استناد به آیات و روایات و نیز با استفاده از متون ادبی و عرفانی شرح شده است. همچنین سعی شده مطالب تکراری یا کم‌نتیجه آورده نشود و به منظور استفاده بیشتر و ماندگاری مطالب ارزشمند آن در ذهن مخاطبان، مطالب به ساختاری بدیع بازسازی و با عنوان‌هایی مفید و راهگشا تنظیم شده است تا رغبت بیشتری را در خواننده محترم ایجاد کند. این نوشتار، به مناسبت محوریت عنوان پژوهش که عبارت است از: «عرفه و عرفات» از دو رکن اساسی نیایش روز عرفه و سرزمین مقدس عرفات سامان یافته است.

بدین ترتیب، در بخش اول با عنوان «عرفه روز نیایش» ، در سه گفتار

ص: ۱۳

به تبیین، تحلیل و بررسی نقلی و عقلی جایگاه روز عرفه؛ آیین نیایش و مهم‌ترین نیایش‌های وارده در این روز (عرفه) پرداخته‌ایم. بخش دوم این پژوهش با عنوان «عرفات سرزمین عشق» نیز در سه گفتار سامان یافته است. گفتارها عبارت‌اند از: جایگاه سرزمین عرفات؛ فضیلت‌های عرفات در آئینه کتاب و سنت و صحرای عرفات، صحنه نیایش اولیای الهی.

پیش از ورود به محور اصلی بحث، از باب «

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ، لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ»، از همه عزیزان و فرهیختگانی که در این مسیر پرفراز و نشیب، با مشاوره و کمک‌های فکری و فنی‌شان راه را برایم هموار کرده‌اند، تشکر می‌کنم.

امید که این اثر بتواند تحول روحی و عینی ارزنده‌ای را موجب شود. در پایان، از ذات اقدس الهی می‌خواهم که به برکت این نوشتار، اینجانب، والدین و فرزندانم را مشمول ادعیه زاکیه حضرت ولی‌الله‌الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء قرار دهد.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

ص: ۱۵

بخش اول: عرفه روز نیایش

اشاره

ص: ۱۷

گفتار اول: جایگاه روز عرفه**۱. اهمیت روز عرفه**

امام صادق (ع) می‌فرماید:

فلسفه اینکه در روز عرفه و در عرفات، بین نماز ظهر و عصر جمع می‌شود و سریع و با عجله نماز برگزار می‌گردد، آن است که با فراغ بال به دعا و نیایش پرداخته شود؛ زیرا آن روز، روز دعا و درخواست از درگاه خداوند سبحان است. (۱)

امام باقر (ع) نیز در مورد استجابت دعا در عرفات می‌فرماید:

هیچ نیکوکار و بدکاری نیست که در عرفات توقف کند؛ مگر اینکه خدا دعایش را مستجاب کند. دعای نیکوکار برای آخرتش مستجاب شود و دعای بدکار برای دنیایش. (۲)

۱- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، ج ۵، ص ۱۸۲.

۲- فروع کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۴، ص ۲۶۲.

۲. فضیلت‌های روز عرفه از چشم‌انداز قرآن و روایات

الف) عرفه در آیین‌قرآن کریم

در قرآن کریم، آیه‌ای وجود دارد که بر عرفه منطبق شده است:

وَالْيَوْمَ الْمَوْعُودِ * وَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ (بروج: ۳ و ۲)

سوگند به آن روز موعود و سوگند به «شاهد» و «مشهود»! [پیامبر و اعمال امت].

بعضی از روایات، شاهد را «روز جمعه» و مشهود را «روز عرفه» دانسته‌اند. (۱) ولی برخی دیگر، شاهد را روز عرفه و مشهود را روز

قیامت معرفی کرده‌اند. (۲) اما بیشتر روایات، شاهد را روز جمعه و مشهود را روز عرفه و روز موعود را قیامت اعلام کرده‌اند. (۳)

همچنین در آیه‌ای دیگر، منظور از مشهود، همان روز عرفه است.

ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ (هود: ۱۰۳)

در آن روز که مردم گردآوری می‌شوند و روزی که همه آن را مشاهده می‌کنند.

بر این اساس، می‌توان گفت که تعبیر «مشهود» در این دو آیه، با روز عرفه مطابقت دارد. از این رو، خداوند در قرآن به عظمت این

روز قسم یاد کرده و آن را روزی دانسته که تمامی انسان‌ها در آن روز حاضر شده

۱- معانی الاخبار، ابن بابویه قمی، ص ۲۹۸.

۲- همان.

۳- همان.

ص: ۱۹

و اجتماع می‌یابند. همچنین، براساس آیه دوم می‌توان گفت که میان عرفات و عرصات قیامت مناسبتی وجود دارد. در تفاسیر عرفانی، نقل‌های متعدد و فراوانی درباره «شاهد» و «مشهود» آمده است (۱)؛ از جمله اینکه شاهد، خلق و مشهود، خداست؛ زیرا انسان‌ها خدا را با قلب خویش شهود می‌کنند.

(ب) عرفه در آئینه روایت‌ها

امام سجاد (ع) به سائلی که روز عرفه، از مردم درخواست مال می‌کرد، فرمود:

وَيَحْكُ أَغْيَرَ اللَّهِ تَسْأَلُ فِي هَذَا الْيَوْمِ إِنَّهُ لَيَرْجِي لِمَا فِي بَطُونِ الْجِبَالِ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْ يَكُونَ سَعِيداً. (۲)

وای بر تو! آیا در چنین روزی از غیر خدا طلب می‌کنی؟ حال آنکه امروز آنچنان رحمت حق، شامل و عام است که امید آن می‌رود آنچه در شکم کوه‌هاست، مشمول رحمت عامه حق گردد و خوش‌بخت و سعادت‌مند شوند.

۱- تفسیر کشف الاسرار، ابوالفضل رشید الدین میدی، ج ۱۰، ص ۴۳۸؛ لطائف الاشارات، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، ج ۳، ص ۷۱۰.

۲- الوافی، فیض کاشانی، ج ۲، ص ۴۲. مرحوم فیض در بیان این حدیث می‌گوید: «سعادت، هر چیزی مناسب حال خودش است. بنابراین شاید مراد از سعادت، آنچه در شکم کوه‌هاست، این باشد که از کوه، نباتی بروید و بعد از تحولات پی‌درپی به صورت نطفه‌ای درآید و از آن، انسان سعیدی متکون گردد». همچنین در روایت دیگری که «مستدرک» نقل کرده، به جای کلمه «الجبال» ، کلمه «الجبالی» آمده که به معنای «زنان آبستن» است و در این صورت، معنای حدیث روشن‌تر خواهد بود. ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۸؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۹۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۷.

ص: ۲۰

در روایتی آمده که امام رضا (ع) در روز عرفه تمام اموال خود را بین فقرا تقسیم کرد. فضل بن سهل عرض کرد: «این کار موجب زیان است». فرمود: «نه، خیر است، موجب سود است. هرگز کاری که موجب اجر و پاداش شود، نباید زیان به حساب آورد» (۱).

در مسجدالحرام مردی از امام صادق (ع) پرسید: «چه کسی گناهش از گناه همه بزرگ‌تر است؟» ایشان فرمود:

مَنْ يَقِفُ بِهَذَيْنِ الْمُوقِفَيْنِ عَرَفَةَ وَالْمُرْدَلِفَةَ وَسَيَعَى بَيْنَ هَذَيْنِ الْجَبَلَيْنِ ثُمَّ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ وَصَلَّى خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ فِي نَفْسِهِ أَوْ ظَنَّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ فَهُوَ مِنْ أَكْثَرِ النَّاسِ وَزُرّاً. (۲)

هرکس که در این دو موقف عرفه و مشعر، وقوف کند و بین این دو کوه [صفا و مروه] سعی نماید و گرد این خانه [کعبه] طواف انجام دهد و نماز پشت مقام ابراهیم به جا آورد، در عین حال بعد از تمام این اعمال، پیش خود بگوید یا گمان کند که خدا او را نیامرزیده است، این آدم از همه کس، گناهش عظیم‌تر است [بدگمانی به خدا و ناامیدی از رحمت خدا، گناهی بسیار بزرگ و خطرناک است].

پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز فرمود: «

مَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرُ أَنْ يُعْتَقَ اللَّهُ فِيهِ عَبِيداً مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ» (۳)؛ «خداوند هیچ روزی به اندازه روز عرفه، بندگان خود را از آتش جهنم آزاد نمی‌کند».

۱- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۱۲، ص ۹۰.

۲- وافی، ج ۲، ص ۴۲؛ آداب الحرمین، ص ۲۶۸.

۳- السنن الکبری، احمد بن حسینی بیهقی، ج ۵، ص ۱۹۲.

ص: ۲۱

فضیلت روز عرفه به اندازه فضیلت شب قدر است. این روز را گرامی دار و لحظه‌هایش را غنیمت شمار که غروب آفتاب این روز، به زودی می‌رسد و چادرها برچیده میشوند و خاطرهایش برای تو می‌ماند. زنهار که دست خالی برگردی و آنجا، بار گناه را زمین نهاده و عرفانت را افزون نساخته باشی! حضرت آدم (ع)، به دستور فرشته الهی، در این سرزمین به ذکر و یاد خدا و توبه پرداخت.

در اهمیت روز عرفه، همین بس که امام صادق (ع) فرمود:

مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ إِلَى قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ. (۱)

اگر ماه مبارک رمضان بر کسی گذشت و او آمرزیده نشد، تا ماه رمضان آینده به آمرزش او امیدی نیست، مگر آنکه عرفه را [با شرایط آن] درک کند.

منظور از «حج اکبر»، روز عرفه است. از ابن عباس، طاووس، مجاهد، عطاء، سعید بن مسیب، نقل شده که روز عرفه را روز حج اکبر می‌دانند. (۲) عطاء می‌گوید: «

الْحَجُّ الْأَكْبَرُ الَّذِي فِيهِ الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ، وَالْأَصْغَرُ الْعُمْرَةُ» (۳)؛ «حج اکبر همان وقوف در عرفه و حج اصغر، عمره است».

اسماعیل قاضی در حدیث «مخرمه» از رسول خدا (ص) نقل کرده که آن حضرت فرمود: «

يَوْمُ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ يَوْمُ عَرَفَةَ» (۴)؛ «همانا روز عرفه، روز

۱- کافی، ج ۴، ص ۶۶.

۲- تفسیر قرطبی، محمد بن احمد انصاری قرطبی، ج ۸، ص ۶۹.

۳- همان، ص ۷۰.

۴- همان.

ص: ۲۲

حج اکبر است» .

ابن ابی حاتم و ابن مردویه، از مسور بن مخرمه از قول رسول خدا (ص) آورده‌اند که:

إِنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَشِيَّةَ عَرَفَةَ، فَقَالَ أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ هَذَا يَوْمُ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ. (۱)

پیامبر (ص) پس از ظهر عرفه، برای مردم سخن می‌گفت و خطاب به آنها فرمود: «امروز، روز حج اکبر است» .

ابن جریر نقل می‌کند که از علی بن ابی طالب (ع) در مورد روز حج اکبر سؤال کردم، ایشان فرمود: «روز عرفه است» . (۲)

ابوالشیخ نیز از ابن عباس نقل می‌کند که گفته است:

همانا روز عرفه، روز حج اکبر است و این روز، روز مباهات است. روزی است که خداوند به اهل زمین در برابر ملائکه آسمان،

فخر کرده و می‌فرماید: «ژولیده‌موی و گرد و خاک بر چهره نشسته، به سوی من آمده‌اند. به من ایمان آوردند، با آنکه مرا ندیده‌اند.

به عزت خودم سوگند آنها را می‌بخشم» . (۳)

برخی از افرادی که این قول را پذیرفته‌اند، به حدیث معروف «

الحج عرفه « استدلال کرده، می‌گویند:

از آنجا که یکی از بزرگ‌ترین اعمال حج، وقوف در عرفه می‌باشد و کسی

۱- تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۱۵، ص ۲۲۱.

۲- درالمنثور، جلال الدین سیوطی، ج ۳، ص ۲۱۳.

۳- همان.

ص: ۲۳

که آن را درک کند، حج را درک کرده و کسی که آن را درک نکند، حج او باطل است، لذا روز عرفه را روز حج اکبر نامیده‌اند. (۱)

درباره اهمیت عرفات همین بس که در روایتی آمده است: «

الحج عرفه» (۲)؛ «حج، عرفه است». البته این بدان معنا نیست که دیگر اعمال حج، کم اهمیت‌اند، بلکه این روایت، حاجیان را به مهم‌ترین رکن حج - که عرفه است - هدایت می‌کند و شاید دلیل شدت این اهمیت، همان نقشی باشد که عرفات در آموزش گناهان دارد که انسان‌های گنه‌کار وارد آنجا شده، بخشوده شده و خارج می‌شوند.

در برخی روایات فریقین، از روزه گرفتن در روز عرفه نهی شده است که شاید علت این نهی، شور و نشاط داشتن هنگام دعا و نیایش است؛ زیرا انسان روزه‌دار، در آن سرزمین و به ویژه در آن هوای گرم، به آسانی نشاط نیایش نمی‌یابد. بنابر روایتی که مجلسی در بحارالانوار نقل می‌کند، روزه گرفتن در روز عرفه، برای کسی که در دعا خواندن ضعف پیدا نکند، مستحب است و این خود مؤید آن است که کراهت روزه بدان جهت است که انسان‌ها برای دعا خواندن، حال و نشاط داشته باشند. (۳)

روز عرفه، روز دعاست. اهمیت دعا در این روز به اندازه‌ای است که

۱- تفسیر کبیر، ج ۱۵، ص ۲۲۱.

۲- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین نوری، ج ۱۰، ص ۳۴.

۳- بحارالانوار، ج ۹۴، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

ص: ۲۴

اگر روزه داشتن سبب ضعف و بی‌حالی فرد در دعا شود، سزاوار است روزه نگیرد تا بتواند دعا کند. (۱) با اینکه روزه آن روز، جبران گناهان نود ساله است. (۲)

دعا و تضرع به درگاه خدا و طلب حوائج دنیا و آخرت، از مهم‌ترین اعمال این روز است؛ تا آنجا که فرموده‌اند: «روزه‌داری این روز با تمام فضیلت و اجر عظیمی که دارد، کفاره نود سال است». (۳)

امیرمؤمنان علی (ع)، فرمود:

مَنْ صَامَ يَوْمَ عَرَفَةَ مُحْتَسِبًا فَكَأَنَّمَا صَامَ الدَّهْرَ. (۴)

کسی که روز عرفه روزه بگیرد، مانند آن است که تمام روزگار روزه گرفته است.

ولی اگر موجب ضعف و سستی دعا شود، محکوم به کراهت است. (۵)

به راستی که ارزش و اهمیت این روز مصداق این سروده خیام است که می‌گوید:

این قافله عمر عجب می‌گذرد دریا شبی که در طرب می‌گذرد

۱- ر. ک: مفاتیح‌الجنان. موضوع روزه گرفتن برای غیرحجاج مطرح است؛ چرا که زائر خانه خدا مسافر است و نباید روز بگیرد.

۲- المراقبات، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، ص ۲۲۹.

۳- همان.

۴- کتاب الصیام شهر رمضان المبارک، ج ۱، ص ۵۹۴.

۵- همان.

ص: ۲۵

ساقی، غم فردای حریفان چه خوری پیش آر پیاله را که شب می گذرد(۱)

امام صادق (ع) فرمود:

هنگامی که روز عرفه به پایان انجامید و شب فرا رسید، فرشتگان به دوش انسان زده و می گویند: «ای زائر خانه خدا! گذشته‌های تو بخشیده شد، مواظب باش که در آینده، چگونه‌ای؟»(۲)

۳. امامت و روز عرفه

روایت‌های فراوانی در مورد حضور امام عصر (عج) در این روز در عرفات وجود دارد.(۳) امام سجاد (ع) در نیایش عرفه خود، با اشاره به ارتباط میان روز عرفه و امامت، می‌فرماید:

اَللّٰهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَةٌ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ، نَشْرُتَ فِيهِ رَحْمَتِكَ، وَ مَنَّتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَ اجْرَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتِكَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادِكَ. اَللّٰهُمَّ وَ اَنَا عَبْدُكَ الَّذِي اَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ اِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَ وَقَفْتَهُ لِحَقِّكَ، وَ عَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَ اَدْخَلْتَهُ فِي حَرْبِكَ، وَ اَرْشَدْتَهُ لِمُؤَالَاهِ اَوْلِيَائِكَ، وَ

۱- خیام نیشابوری.

۲- وافی، فیض کاشانی، ج ۲، ص ۴۵.

۳- از جمله می‌توان به این روایت امام صادق ۷ اشاره کرد که حضرت می‌فرماید: «مردم امامی را نمی‌یابند که در مراسم حج حاضر نباشد. او مردم را می‌بیند، ولی مردم او را نمی‌بینند؛ الغیبه، نعمانی، ص ۱۷۵. ر. ک: تجلی حکمت نظری عاشورا در نیایش عرفه، سید عباس اسلامی کاشانی، بخش چهارم.

ص: ۲۶

مُعَادَاةُ اَعْدَائِكَ. (۱)

خدایا! امروز روز عرفه است؛ روزی که آن را شریف و گرامی داشته‌ای و تعظیم و تجلیل کرده‌ای. در این روز، رحمت خود را پراکنده‌ای و بر مردمان به عفو خود منت نهاده‌ای و عطای خود در حق ایشان افزوده‌ای و بر بندگان تفضل فرموده‌ای. ای خداوند! من آن بنده توام که هم پیش از آفریدن او، او را از نعمت خود برخوردار ساختی و هم پس از آن. او را در زمره کسانی آورده‌ای که آنها را به دین خود راه نموده‌ای و به گزاردن حق خویش، توفیق داده‌ای و اکنون چنگ در ریسمان دوستی تو زده و تو او را در حزب خود داخل کرده‌ای و او را راهی نموده‌ای که با دوستان دوستی ورزد و با دشمنان دشمنی کند.

امام محمد باقر (ع) نیز در حدیثی ضمن اشاره به اهمیت روز عرفه و موضوع امامت، نکته‌هایی را درباره روز عید غدیر متذکر شدند. ابی‌الجارود می‌گوید:

شنیدم امام باقر (ع) می‌فرمود: «خدای عزوجل پنج چیز بر بندگان واجب ساخت و آنها چهار چیزش را گرفتند و یکی را رها کردند» . عرض کردم: «قربانت کردم، آنها را برای من نام می‌بری؟» فرمود: در نماز، مردم نمی‌دانستند چگونه نماز گزارند تا جبرئیل (ع) فرود آمد و گفت: «ای محمد! وقت‌های نماز را به مردم خبر ده. . .». زکات پس از نماز نازل شد. جبرئیل گفت: «ای محمد! راجع به زکات، آنها را خبر ده؛ چنان که راجع

ص: ۲۷

به نماز خبر دادی». سپس روزه ماه رمضان، میان شعبان و شوال نازل شد. سپس امر به حج رسید و جبرئیل (ع) فرود آمد و گفت: «چنان که درباره نماز و زکات و روزه به مردم خبر دادی، درباره حج هم خبر ده». سپس امر به ولایت رسید و آن امر، روز جمعه در عرفه رسید و خدای عزوجل آیه: «امروز دیتان را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم» را نازل کرد و کمال دین به سبب ولایت علی بن ابی طالب (ع) بود. پیامبر (ص) در آنجا فرمود: «امت من هنوز به دوران جاهلیت نزدیک‌اند [تازه از جاهلیت به اسلام گرویده‌اند]. اگر من نسبت به پسرعمویم به آنها خبری دهم، هرکسی حرفی می‌زند، من این مطلب را بدون اینکه به زبان آورم، در دلم می‌گفتم تا آنکه فرمان حتمی خدای عزوجل به من رسید و مرا تهدید کرد که اگر ابلاغ نکنم، عذابم خواهد کرد و این آیه نازل شد:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ
(مائده: ۶۷)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت به تو نازل شده است، به‌طور کامل [به مردم] ابلاغ کن. اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای. خدا تو را از [خطرات احتمالی] مردم حفظ می‌کند و خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.
پس رسول خدا (ص)، دست علی (ع) را گرفت و فرمود: «ای مردم! خدا همه پیغمبران پیش از مرا عمری معین داد و سپس به جانب خود خواند و آنها هم اجابتش کردند [از دارفانی به عالم باقی رهسپار گشتند] و نزدیک است

ص: ۲۸

که مرا هم بخواند و اجابت کنم. من مسئولیت دارم و شما هم مسئولیت دارید. اکنون شما چه می‌گویید؟» آنها گفتند: «گواهی دهیم که تو ابلاغ کردی و خیرخواهی نمودی و آنچه بر تو بود، رسانیدی. خدا بهترین پاداش پیغمبران را به تو دهد». پیغمبر سه مرتبه فرمود: «خدایا! شاهد باش». سپس فرمود: «ای گروه مسلمانان! این [شخصی که روی دست من و نامش علی بن ابی طالب (ع) است] پس از من ولی شماست. شما که حاضرید به غائبین برسانید».

امام باقر (ع) در ادامه فرمود:

به خدا که علی (ع)، امین خدا بود بر خلقش و راز پنهانش و دینی که برای خود پسندیده بود. سپس وفات رسول خدا (ص) فرا رسید. آن حضرت، علی (ع) را طلبید و به او فرمود: «ای علی! من می‌خواهم آنچه را که خدا مرا بر آن امین ساخته و به من سپرده، تو را بر آن امین سازم و به تو سپارم و آن راز پنهان خدا و علم خدا و مخلوق خدا و دینی است که برای خود پسندیده».

امام باقر (ع) فرمود:

به خدا ای زیاد هیچ‌کسی را در اینها شریک علی نساخت. سپس وفات علی (ع) فرا رسید. آن حضرت، فرزندان را که دوازده پسر بودند، نزد خود خواند و به آنها فرمود: «فرزندان عزیزم! خدای عزوجل اراده حتمی فرمود که سنتی از یعقوب در من قرار دهد. یعقوب دوازده پسر داشت، آنها را نزد خود خواند و صاحب آنها [و جانشین خود] را به آنها معرفی کرد. آگاه باشید که من هم صاحب شما را معرفی می‌کنم. همانا این دو، پسران رسول خدا (ص) حسن و حسین (علیهما السلام) هستند، از آنها بشنوید و فرمان

برید و

ص: ۲۹

پشتیبانی نمایند که من آنچه را رسول خدا به من سپرده و خدا به او سپرده بود، به آنها می‌سپارم و آن چیز مخلوق خدا و راز پنهان خدا و دینی است که او برای خود پسندیده است» .

پس، خدا برای آنها از جانب علی واجب ساخت، آنچه را علی از جانب پیامبر (ص) واجب ساخت [و آن شنیدن و فرمانبری و پشتیبانی امت است از ایشان] و هیچ‌یک از آن دو، بر دیگری برتری نداشت، جز به واسطه بزرگسالی‌اش [که مخصوص امام حسن (ع) بود] و چون امام حسین (ع) به محضر امام حسن (ع) می‌آمد، در آن مجلس سخن نمی‌گفت تا برمی‌خواست .

سپس وفات امام حسن (ع) فرا رسید و او آن سپرده را به امام حسین (ع) تسلیم نمود. سپس وفات امام حسین (ع) فرا رسید. آن حضرت، دختر بزرگ‌ترش فاطمه بنت‌الحسین (علیهماالسلام) را طلبید و مکتوبی پیچیده و وصیتی آشکار به او سپرد و علی بن الحسین (علیهماالسلام) بیماری از نظر معده داشت که در حال احتضارش می‌دیدند. پس فاطمه آن مکتوب را به علی بن الحسین (علیهماالسلام) داد. سپس، به خدا آن مکتوب به ما رسید. (۱)

در سال دهم هجری قمری، صحرای با عظمت و مقدس عرفات، شاهد آخرین حج پیامبر (ص) (حجّة‌الوداع) بود که یکی از حوادث مهم در تاریخ اسلام است. خطبه مهم و تعیین‌کننده آن حضرت که به حق، آن را «منشور حقوق بین‌الملل اسلامی» نامیدند، در تاریخ اسلام جایگاه بس ویژه‌ای دارد. مشروح خطبه طولانی پیامبر (ص) در تمامی منابع تاریخی

ص: ۳۰

آمده است. بعضی گفته‌اند پیامبر (ص) برای ابلاغ این خطبه، بر فراز همان سنگی که بعدها به منبر تبدیل شد، ایستاده بود. برخی از محدثان اهل سنت (۱) بر این باورند که آیه یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ، به‌هنگام وقوف پیامبر (ص) در عرفه (حجّه‌الوداع) نازل شده است. اما مفسران شیعه، نزول آن را در «غدیر خم»، که پیامبر (ص) چند روز پس از وقوف در عرفه، در آنجا خطبه خواند، می‌دانند. (۲)

۴. فضیلت‌های زیارت امام حسین (ع) در روز عرفه

بخش-ودگی اهل گنه در صف محشر وابسته به یک گردش چشمان حسین است از جمله افضل اعمال وارده در روز عرفه، زیارت امام حسین (ع) است. امام صادق (ع) فرمود:

هر کس قبر امام حسین (ع) را در روز عرفه زیارت کند، خداوند برای او ثواب هزار هزار حج که با قائم آل محمد (عج) کرده باشد، بنویسد و هزار هزار عمره که با حضرت رسول (ص) کرده باشد و نیز ثواب آزاد کردن هزار هزار بنده و فرستادن هزار هزار کس به جهاد در راه خدا برای او

۱- اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، صص ۲۲ و ۲۳.

۲- علامه امینی در اثر ارزشمند خود «الغدیر»، نظرهای گوناگونی را با مستندات روایی و تاریخی ارائه کرده است.

ص: ۳۱

نوشته شود و خداوند او را بنده تصدیق کننده او و ایمان آورده به وعده او می نامد و ملائکه گویند: «فلان مرد صدیق است» و خداوند او را در بالای عرش عظمت و جلالش ثنا گفته است و در زمین، او را کروی نامند که لقب ملائکه مقرب است. (۱)

امام صادق (ع) در حدیث دیگری فرمود:

هر گاه حج واجب را به جا آورد و بخواهد که حج یا عمره مستحبی به جا آورد، ولی مشغله دنیوی یا علایق، او را مانع شد، در روز عرفه کنار قبر امام حسین (ع) برود که او را مجزی است از ادا کردن حج و عمره و حق تعالی ثواب او را چندین برابر کند. راوی پرسید: «ثوابش چند برابر حج و عمره است؟» حضرت فرمود: «ثوابش را نمی توان شمرد». پرسید: «صد برابر؟» فرمود: «کی می شود شمرد». پرسید: «هزار برابر؟» فرمود: «بیشتر». پس این آیه را خواند (۲):

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ (نحل: ۱۸)

اگر نعمت‌های خدا را بشمارید؛ هرگز نمی توانید آنها را احصاء کنید. به درستی که خداوند آمرزنده و مهربان است.

شیخ صدوق، در ثواب الاعمال نقل می کند که امام صادق (ع) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَبْدَأُ بِالنَّظَرِ إِلَى زُورِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام)

۱- وسائل الشیعه، محمد بن حسن عاملی، ج ۷، ص ۴۶۰؛ المراقبات، ص ۲۲۹.

۲- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۹۲.

ص: ۳۲

عَشِيَّةَ عَرَفَةَ .

خدا در شب عرفه نخست به زوار امام حسین (ع) توجه می‌کند.

راوی از آن حضرت پرسید: «آیا پیش از نظر کردن به حاجیان در عرفات؟» امام (ع) پاسخ داد: «آری».

امام (ع) در حدیث دیگری فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَتَجَلَّى لِرُؤُورِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) قَبْلَ أَهْلِ عَرَفَاتٍ (فَيَفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ) وَيَقْضِي حَوَائِجَهُمْ وَيَغْفِرُ ذُنُوبَهُمْ وَيُسَفِّعُهُمْ فِي مَسَائِلِهِمْ ثُمَّ يَتَنَبَّى بِأَهْلِ عَرَفَاتٍ يَفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ. (۱)

پروردگار حکیم، عنایت ویژه خود را متوجه زوار قبر امام حسین (ع) می‌کند، پیش از آنکه به حجاج واقف در عرفات توجه کند. خدا حوایج زوار حسین را برآورده می‌سازد، گناهانشان را می‌بخشد و از آنها شفاعت به عمل می‌آورد. پس به حاجیانی که در عرفات وقوف کرده توجه نموده، با آنها نیز این چنین عمل می‌کند.

۱- نک: ثواب الاعمال، ابن بابویه قمی، صص ۱۱۶ و ۱۱۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۶۵؛ المراقبات، ص ۲۲۹.

گفتار دوم: آیین نیایش**اشاره**

زان پیشتر که عالم فانی شود خراب ما را ز جام باده هستی خراب کن (۱)

۱. نیایش از چشم‌انداز آیه‌های قرآن کریم

جز تو پیش کی برآرد بنده دست هم دعا و هم اجاب-ت از تو است
 ه-م ز اول-ت-و ده--ی می-ل دعا تو دهی آخر دع-اها را جزا
 اول و آخ--رت-ویی، م--ا در میان هیچ هیچی که نیاید در بیان (۲)
 در آیاتی از قرآن مجید، به مسئله دعا و نیایش توجه ویژه‌ای شده است؛ از جمله در آیه‌هایی همچون:

- ۱- حافظ. نقل است که عارف کامل، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، \ استاد اخلاق امام خمینی قدس سره، مکرر این شعر را در قنوت نوافل می‌خوانده‌اند. ر. ک. : طبیب دل‌ها، به نقل از استاد حسن زاده آملی، ص ۱۹۱ .
- ۲- مولوی.

ص: ۳۴

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (بقره: ۱۸۶)

و چون که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، [بگو:] من نزدیکم، دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند [و به مقصد برسند].

علامه طباطبایی (رحمه‌الله) در تفسیر این آیه می‌فرماید:

دعا با سؤال متفاوت است؛ دعا عبارت از این است که دعاکننده می‌خواهد نظر مخاطب را به خود متوجه سازد و سؤال این است که پس از یافتن مخاطب، چیزی از او درخواست نماید.

بنابراین، سؤال در حکم غرض و نتیجه دعاست و این معنا بر تمام مصادیق سؤال منطبق می‌گردد؛ مانند سؤال از مطالب علمی، سؤال از محاسبات و سؤال برای کمک خواستن و... (۱)

در رابطه با این آیه، نکته‌های دیگری نیز قابل طرح‌اند:

اول اینکه، اساس سخن بر گویندگی ذات اقدس الهی، به صورت متکلم وحده گذارده شده است، نه غیبت و مانند آن و این امر، خود نشان‌دهنده کمال عنایت به این موضوع است؛

دوم اینکه، به جای اینکه گفته شود: «

إذا سألك الناس»، عبارت «

عبادی» را به کار برده که این خود از عنایت بیشتری حکایت دارد؛

سوم اینکه، واسطه در جواب حذف شده و بدون واسطه، چنین آمده

ص: ۳۵

است: »

إِنِّي قَرِيبٌ و نفرموده: »

فَقُلْ إِنِّي يَا

إِنَّهُ قَرِيبٌ؛

چهارم اینکه، در این جمله، برای تأکید از حرف «

إِنَّ» استفاده شده است؛

پنجم اینکه، مسئله قُرب خدا با صفت «

قَرِيبٌ» وصف شده، نه با فعلی که بر قرب دلالت داشته باشد و بدین ترتیب، بر ثبوت و دوام قرب تأکید شده است؛

ششم اینکه، اجابت با فعل مضارع «

أَجِيبُ» ذکر شده، تا بر تجدد و استمرار اجابت دلالت کند؛

هفتم اینکه، اجابت دعا با جمله شرطی «

إِذَا دَعَا»؛ «اگر مرا بخواند»، مقید شده است و این قید، مطلب زایدی بر عبارت «

دَعْوَةُ الدَّاعِ» ندارد. بلکه عین همان است و فایده چنین قیدی این است که اجابت دعا، مقید و مشروط به هیچ قید و شرطی نیست؛

چنان که در آیه شریفه چنین آمده است: وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ «پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا دعای شما را

بپذیرم». (غافر: ۶۰)

این آیه، گواه شدت عنایت خداوند به امر دعا و تأثیر آن و سرعت و قاطعیت اجابت آن است و از ویژگی‌های این آیه شریفه، این

است که با همه ایجازی که دارد، هفت مرتبه یاد خدای سبحان به گونه‌ضمیر متکلم در آن تکرار شده و این تنها آیه قرآن است که

چنین مزیتی دارد. (۱)

ص: ۳۶

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (اعراف: ۵۵ و ۵۶)

پروردگار خود را [آشکارا] از روی تضرع و پنهانی بخوانید؛ [و از تجاوز، دست بردارید که] او متجاوزان را دوست نمی‌دارد و در زمین پس از اصلاح آن، فساد نکنید و او را با بیم و امید بخوانید [بیم از مسئولیت‌ها و امید به رحمتش و نیکی کنید]؛ زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

الهی سینه‌های ده آتش افروز در آن سینه دلی و آن دل همه سوز

هر آن دل را که سوزی نیست، دل نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست

دل‌پر شعله گردان، سینه پر درد زبانم کن به گفتن آتش آلود (۱)

قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (فرقان: ۷۷)

بگو: پروردگارم برای شما ارزشی قائل نیست. اگر دعای شما نباشد، شما [آیات خدا و پیامبران را] تکذیب کردید و این عمل، دامان شما را خواهد گرفت، از شما جدا نخواهد شد.

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (الرحمن: ۲۹)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از او درخواست میکنند و او هر روز، در شأن و کاری است.

ص: ۳۷

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (غافر: ۶۰)

پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا [دعای] شما را اجابت کنم. در حقیقت، کسانی که از پرستش من، تکبر میورزند، به زودی خوار به دوزخ درآیند.

۲. فضیلت نیایش

از در خویش خدایا به بهشتم مفرست که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس رسول خدا (ص) فرمود: «

مَا مِنْ شَيْءٍ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الدُّعَاءِ» (۱)؛ «هیچ چیزی نزد خدا گرامی تر و با ارزش تر از دعا نیست». حضرت در روایتی دیگر فرمود: «

الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ لَا يُهْلِكُكَ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ» (۲)؛ «دعا مغز عبادت است، هیچ گاه کسی با دعا هلاک نمی شود».

امام باقر (ع) نیز در پاسخ به سائلی که پرسید: «قرآن زیاد خواندن افضل است یا دعا زیاد کردن؟» فرمود: «زیاد دعا کردن افضل است». سپس حضرت این آیه را خواند: قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ؛ «بگو: پروردگارم برای شما ارزشی قائل نیست اگر دعای شما نباشد» (فرقان: ۷۷). (۳)

در میان دستورهای دینی، بحث دعا فصل ویژه‌ای را به خود

۱- عدّه الداعی، ابن فهد حلی، ص ۳۱۳.

۲- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰.

۳- عدّه الداعی، ص ۱۴.

ص: ۳۸

اختصاص داده است. گذشته از بعضی عبادت‌ها مانند نماز که تقریباً سراسر دعاست، در برخی عبادت‌ها مانند روزه و حج و غیره، دعا سنت شده است. دعا‌های بسیاری در مواقع معین، مانند دعای کمیل که شب‌های جمعه خوانده می‌شود و نیز دعای ندبه که هر صبح جمعه آن را می‌خوانند یا دعای سمات که در عصر جمعه خواندن آن مستحب است و همچنین دعای معروف مکارم الاخلاق و مرضی الافعال (۱) یا خواندن دعای عهد که محدث قمی (رحمه‌الله) (۲) آن را از حضرت صادق (ع) نقل کرده و نیز خواندن ادعیه مأثوره در روزهای عید، به‌ویژه دعای عرفه امام حسین در سرزمین عرفات و . . . فضیلت‌های بسیاری را نصیب انسان می‌کند؛ زیرا بیشتر آنها مشتمل بر مضامین عالی از معارف الهی و تمجید و تنزیه حق تعالی و اظهار عجز و عبودیت از سوی بنده و درخواست اخلاق پسندیده و طلب توفیق برای اعمال نیک و تقاضای رفع بلیات و . . . است.

دردم نهفته به ز طیبیان مدعی باشد که از خزانه غیث دوا کنند (۳)

امام خمینی (قدس سره) در مقدمه وصیت‌نامه الهی - سیاسی‌شان می‌فرماید:

ما مفتخریم که ادعیه حیات‌بخش که او را قرآن صاعد می‌خوانند از ائمه معصومین ماست. ما به مناجات شعبانیه و دعای عرفه امام

حسین بن

۱- صحیفه مبارکه سجّادیه، دعای بیستم.

۲- مفاتیح الجنان، عباس قمی.

۳- حافظ.

ص: ۳۹

علی (علیهماالسلام) و صحیفه سجّادیه، این زبور آل محمد و صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ماست. (۱)

الکسیس کارل، اندیشمند معروف فرانسوی که برنده دو جایزه نوبل است، درباره نیایش چنین می گوید:

نیایش همچون دم زدن، خوردن و آشامیدن از نیازهای ژرفی است که از عمق سرشت و فطرت طبیعی سر می زند. خوردن، نمودن، تکثیر نسل و نیایش، چهار بعد اساسی روح انسان هستند؛ زیرا انسان واحدی است که نیمش ز آب و گل، نیمش ز جان و دل. نیایش نه همچون تخدیر آرام بخش است، بلکه آرامشی که می بخشد، زائیده اشباع تشنگی و نیاز و اضطراب روح آدمی و پاسخ گفتن به کمبودهایی است که در عمق فطرت آدمی هست. این است که نیایش برخلاف تخدیر که به ضعف و مرگ منتهی می شود، نیروزا، نشاطانگیز و عامل شکفتگی احساس ها، عاطفه ها و استعداد های مرموز درون روح آدمی است. . . .

حجاب چهره (۲) جان می شود غبار تنم خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم

چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است روم به گلشنِ رضوان که مرغ آن چمنم (۳)

طبق روایت های معصومان (علیهم السلام) درمی یابیم که برای جلب رحمت پروردگار، «دو سبب» در کار است: یکی «عمل» و دیگر «دعا و سؤال» .

۱- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۹۶. ر. ک. : تفسیر سوره مبارکه حمد، صص ۷۹ - ۸۱.

۲- مقصود از چهره، تجلیات غیرماده در حال غیبت سالک است.

۳- حافظ.

ص: ۴۰

اهل عمل، از باب «عدل» وارد می‌شوند و به «اجر» خود می‌رسند. اما اهل دعا و سؤال از باب «فضل» وارد و مشمول «رحمت» می‌شوند.

«ابن فهد حلی» در کتاب «عُدَّة الداعی» از کتاب دعای محمد بن حسن صفار، روایتی را نقل کرده که سند آن به رسول خدا (ص) می‌رسد:

باید از خدا بخواهید تا به شما عطا کند؛ چه آنکه خدا را بندگانی است که عمل می‌کنند و خدا اجرشان را می‌دهد و بندگان دیگری دارد که با صدق و اخلاص از او سؤال می‌کنند [و از باب دعا وارد می‌شوند]. پس، خدا عطا می‌کند به ایشان و سرانجام، همه را در بهشت و دار سعادت، مجتمع می‌سازد. آن‌گاه دسته عاملین [با تعجب] می‌گویند: «پروردگارا! ما که مورد لطف و عنایتت واقع شده‌ایم، نتیجه اعمال خوب ما بوده است. اما این دسته [که در عمل، قاصر بوده‌اند] از چه راه، به این درجه از کرامت و عطا رسیده‌اند؟» می‌فرماید: «بندگان من! شما کار خوب کرده و مزد خود را گرفته‌اید. بی‌کم و کاست هم گرفته‌اید. اما اینان به گدایی در خانه من آمده‌اند و دست سؤال، به سوی من دراز کرده‌اند [صورت مسکنت بر خاک ذلت نهاده و دست به دامن فضل زده‌اند. من هم، دامن از دستشان نکشیده و محرومشان نکرده‌ام، بلکه مشمول فضلشان کرده و در طاق و رواق عزت و مکرمت، جایگزینشان ساخته‌ام]. پس به ایشان عطا کردم و آن، فضل من است که به هر کس بخواهم، می‌دهم». (۱)

۱- عُدَّة الداعی فارسی، ابن فهد حلی، ص ۲۸؛ شرح نهج البلاغه، ابوالقاسم خویی، ج ۴، ص ۲۶۳.

ص: ۴۱

از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود:

يَدْخُلُ الْجَنَّةَ رَجُلَانِ كَانَا يَعْمَلَانِ عَمَلًا وَاحِدًا فَيَرَى أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَوْقَهُ فَيَقُولُ يَا رَبِّ بِمَا أَعْطَيْتَهُ وَكَانَ عَمَلْنَا وَاحِدًا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى سَأَلْنِي وَ لَمْ تَسْأَلْنِي ثُمَّ قَالَ سَلُوا اللَّهَ وَ أَجْزِلُوا فَإِنَّهُ لَا يَتَعَاظُمُهُ شَيْءٌ. (۱)

دو مرد، در بهشت درآیند که هر دو، یک عمل انجام داده‌اند: یکی از آن دو، ببیند دیگری را که مرتبه‌اش بالاتر از اوست. گوید: «ای پروردگار من! به چه چیز، او را این مرتبه و مقام عطا فرمودی؟ حال آنکه هر دو، دارای یک عمل بوده‌ایم». خداوند متعال می‌فرماید: «او از من سؤال و درخواست می‌کرد و تو نمی‌کردی». سپس رسول خدا (ص) فرمود: «از خدا سؤال و طلب کنید و بسیار هم طلب کنید؛ چه آنکه هیچ چیز نزد خدا، بزرگ نمی‌آید».

امام صادق (ع) فرمود:

يَا مُيَسِّرُ ادْعُ وَلَا تَقُلْ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنَزِلَةً لَا تَنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا سَدَّ فَاهُ وَ لَمْ يَسْأَلْ لَمْ يُعْطَ شَيْئًا فَسَيَلُ تُعْطَى يَا مُيَسِّرُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَابٍ يُقْرَعُ إِلَّا يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ. (۲)

ای میسر! [اسم راوی است] دعا کن و مگو که کار تمام شده و مقدر گردیده است [و دیگر دعا فایده‌ای نخواهد داشت]. چه آنکه، نزد خدا منزلتی هست که به آن، نایل نمی‌شوی، مگر از طریق دعا و سؤال و درخواست از خدا و اگر بنده‌ای، دهان خود را ببندد و از خدا نخواهد، چیزی به او داده نمی‌شود.

۱- شرح نهج البلاغه، خویی، ج ۴، ص ۲۶۳.

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۶۶.

ص: ۴۲

پس بخواه تا داده شوی. ای میسیر! مسلم آنکه هیچ دری نیست که کوبیده شود، مگر آنکه به زودی، به روی کوبنده‌اش گشوده گردد.

گفت پیغمبر که گر کوبی دری عاقبت زان در برون آید سری

عارفی را پرسیدند: «بدین در آمده‌ای، چه آورده‌ای؟» گفت: «گدایی که بر در خانه سلطان آید، از او نمی‌پرسند چه آورده‌ای، بلکه می‌گویند: ای گدای بینوا! چه می‌خواهی؟» (۱).

گویند درویشی ژنده‌پوش، قصد رفتن به دربار پادشاه داشت. او را گفتند: «این لباس کهنه و چرکین، از تن بر کن و لباسی نو بپوش که این، مناسب مجلس سلطان نیست». درویش گفت:

چه کنم که لباسی غیر این ندارم! با لباس پاره و چرکین به دربار شاهان رفتن، عیب نیست که درویش مسکین، لباسش همین است. چه کند بینوا همان دارد. اما عیب و ننگ آن است که با همان لباس پاره و چرکین، از خانه سلطان بیرون آید که این عمل، سزاوار شأن شاهان نیست. (۲).

حال، بنده بینوا اگر با جانی آلوده و ننگین از گناه، به درگاه خداوند ذوالمن و الکریم برود، عار نیست؛ زیرا حقیقت بنده شرمسار غرق در گناه، همین است. حال آنکه برگشتن از در خانه پروردگار بخشنده با همان جان آلوده و چهره شرمنده از گناه، منافی شأن پروردگار و در واقع، خلاف انتظار است.

۱- اسرار العبادات، قاضی سعید قمی، ص ۲۳۴.

۲- همان.

ص: ۴۳

امام صادق (ع) فرمود:

دُعَاءُ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يُدِرُّ الرَّزْقَ وَيَدْفَعُ الْمَكْرُوهَ. (۱)

دعای مرد درباره برادر غایبش، روزی را فراوان و ناملایمات را برطرف می‌سازد.

علی بن ابراهیم از پدرش نقل کرده که ایشان گفت:

دیدم عبدالله بن جندب را در موقف عرفات، در حالتی که موقفی بهتر از موقف او ندیدم. در تمام مدت وقوف، دست‌هایش به جانب آسمان بلند بود و اشکش به صورتش می‌ریخت و به زمین می‌رسید، تا وقتی که مردم از عرفات بازگشتند. گفتم: «ای ابامحمد! من هرگز موقفی بهتر از موقف تو ندیدم». گفت: «به خدا قسم، من دعا نکردم، مگر درباره برادران دینی‌ام و این برای آن بود که خبر داد مرا ابوالحسن موسی (ع) [امام موسی بن جعفر (علیهما السلام)] که:

مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ نُودِيَ مِنَ الْعَرْشِ وَ لَكَ مِائَةٌ أَلْفٍ ضِعْفٍ فَكْرَهُتُ أَنْ أَدْعَ مِائَةَ أَلْفٍ مَضْمُونَهُ لِوَاحِدَةٍ لَا أُدْرِي تَسْتَجَابُ أَمْ لَا. (۲)

هر که دعا کند درباره برادر خود که غایب است، ندا از عرش می‌رسد که، از برای تو باشد صد هزار برابر این و لذا من سزاوار ندیدم که از دست بدهم صد هزار [حسنه یا دعای] ضمانت شده را به خاطر یکی که نمی‌دانم مستجاب خواهد شد یا نه. ابن ابی عمیر از زید نرسی روایت کرده که با معاویه بن وهب در

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۷.

۲- همان؛ عُدَّة الداعی فارسی، ص ۱۳۶.

ص: ۴۴

عرفات بودم و او دعا می‌کرد. در موقع دعا کردن دقت کردم، حتی یک کلمه برای خودش دعا نکرد. مردم شهرهای دوردست را با ذکر نام و نام پدرانشان دعا می‌کرد، تا اینکه مردم از عرفات بازگشتند. به او گفتم: «ای عم! از تو امر عجیبی دیدم». گفت: «چیست آنچه تو را به تعجب آورده؟» گفتم: «اینکه در چنین موضعی، مردم را بر نفس خود اختیار کردی و اینکه یک‌یک آنها را در اینجا یاد کردی!» پس، به من گفتم:

جای تعجب ندارد ای پسر برادر من! به درستی که من شنیده‌ام از مولای خود و مولای تو و مولای هر مؤمن و مؤمنه‌ای و او بعد از پدران بزرگوار خود که به خدا سوگند سید گذشتگان و آیندگان بود؛ و الا کرباد هر دو گوشم و کور باد هر دو چشمم و نرسم به شفاعت محمد (ص)، اگر این سخن را از امام (ع) شنیده باشم که: «هر که از برای برادر مؤمن خود غایبانه دعا کند، فرشته‌ای از آسمان دنیا ندا کند که ای بنده خدا! ۱۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی، برای توست و او را فرشته‌ای از آسمان دوم ندا کند که ای بنده خدا! ۲۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی، برای توست، و او را فرشته‌ای از آسمان سوم ندا کند که ای بنده خدا! ۳۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی، تو راست و او را فرشته‌ای از آسمان چهارم ندا کند که ای بنده خدا! ۴۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی، تو راست و او را فرشته‌ای از آسمان پنجم ندا کند که ای بنده خدا! ۵۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی تو راست و او را فرشته‌ای از آسمان ششم ندا کند که ای بنده خدا! ۶۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی تو راست و او را فرشته‌ای از آسمان هفتم ندا کند که ای بنده خدا! ۷۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی برای توست.

ص: ۴۵

بعد از آن ندا کند او را خدای عزوجل که منم غنی مطلق که اصلاً احتیاج ندارم. ای بنده من! هزار هزار برابر آنچه طلب کردی برای توست. پس کدام یک از این دو امر عظیم بزرگتر است ای پسر برادر من؟ آنچه را من از برای نفس خود اختیار کردم، یا آنچه تو مرا به آن امر می‌کنی؟! (۱)

۳. اسباب استجاب دعا

اشاره

ای سر تو در سینه هر صاحب راز پیوسته در رحمت تو بر همه باز هر کس که به درگاه تو آمد به نیاز محروم ز درگاه تو کی گردد باز (۲)
در کتاب عدّه الداعی، اسبابی جهت استجاب دعا نوشته شده که در این قسمت، در هفت عنوان آن را ارائه می‌کنیم: (۳)

الف) زمان دعا

از امام باقر (ع) روایت شده است:
خدای تعالی، هر شب جمعه از اول شب تا آخر از بالای عرش ندا می‌کند: «آیا بنده مؤمنی نیست که بخواند مرا و قبل از طلوع فجر برای دین یا دنیای خود دعا کند تا او را اجابت کنم؟ آیا بنده مؤمنی نیست که قبل از طلوع فجر، توبه کند و از گناهش به سوی من بازگردد تا توبه او را بپذیرم؟ آیا

۱- عدّه الداعی فارسی، ص ۱۳۶.

۲- شیخ ابوسعید ابوالخیر.

۳- محتوای ذیل این عنوان، تلخیص از باب دوم کتاب عدّه الداعی با عنوان «و اسباب اجابت دعا» است. ر. ک: ص ۹۴.

ص: ۴۶

بنده مؤمنی نیست که روزی بر او تنگ شده باشد و قبل از روشن شدن روز از من درخواست زیاده رزقش کند تا روزی او را زیاد کنم و بر او وسعت دهم؟ آیا بنده مؤمن بیماری نیست که از من قبل از ظاهر شدن صبح، شفای خود را سؤال کند تا او را عافیت بخشم؟ آیا بنده مؤمن محبوس مغمومی نیست که از من سؤال کند تا از زندان آزادش کنم و راهش را باز کنم؟ آیا بنده مؤمن مظلومی نیست که قبل از طلوع فجر از من بخواهد که برای او آنچه به ظلم از او گرفته‌اند، بگیرم و او را نصرت دهم؟»

پس فرمود: «خدای تعالی دائماً به این کلمات ندا می‌کند تا آنکه فجر طالع شود». (۱)

در روایت است که بنده مؤمن از خدا حاجت می‌خواهد و خدای عزوجلّ قضای حاجت او را تا روز جمعه به تأخیر می‌اندازد. (۲)
از حضرت صادق (ع) روایت شده که حضرت یعقوب (ع) به فرزندانش گفت: «به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می‌طلبم»
. فرمود: «آن را به تأخیر انداخت تا سحر شب جمعه شد». (۳)

در حدیثی از حضرت رضا (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود:

خداوند تبارک و تعالی در ثلث آخر هر شب و در شب جمعه از اول شب، ملکی را به آسمان دنیا فرو می‌فرستد که گوید: «آیا سؤال کننده‌ای هست که

۱- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۴۲۰.

۲- نصابیح، ترجمه: مواظظ العددیه، علی مشکینی، ص ۲۹۵.

۳- همان.

ص: ۴۷

خواسته‌اش را به او عطا کنم؟ آیا توبه‌کننده‌ای هست که توبه او را بپذیرم؟ آیا استغفارکننده‌ای هست که او را بیامرزم؟» ای طالب خیر! روی آر. ای طالب شر! کوتاه کن و پیوسته ندا می‌کند به این کلمات تا فجر طالع شود. آن گاه به محلّ خود از ملکوت آسمان بازمی‌گردد.

سپس فرمود: «این حدیث را پدرم از جدم و او از پدرانش و آنان از رسول خدا (ص) به من روایت کرد». (۱)

گل مراد تو آن‌گه مراد بگشاید که خدمتش چو نسیم سحر توانی کرد
 گدایی در میخانه طرفه اکسیری است گر این عمل بکنی، خاک، زر توانی کرد
 به عزم مرحله عشق پیش نه قدمی که سودها کنی از این سفر توانی کرد (۲)

ب) مکان دعا

از دیگر اسباب دعا، مکان دعاست. در روایتی آمده که خدای تعالی در روز عرفه، به ملائکه می‌فرماید: «ای فرشتگان من! آیا غلامان و کنیزان مرا که آمده‌اند از اطراف بلاد پراکنده و غبارآلود نمی‌بینید؟ آیا می‌دانید چه می‌خواهند؟» گویند: «پروردگارا! آنها از تو آمرزش می‌خواهند». پس حق تعالی فرماید: «شما را شاهد می‌گیرم که آنها را آمرزیدم». و نیز روایت شده که بعضی از گناهان است که بخشیده نمی‌شوند، مگر به عرفات و مشعرالحرام. خدای تعالی فرموده است:

۱- بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۱۱۴.

۲- حافظ.

ص: ۴۸

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ (بقره: ۱۹۸)

گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان [و از منافع اقتصادی] در ایام حج بهره‌گیری (از منافع حج، پی‌ریزی اقتصادی صحیح اسلامی است). و هنگامی که از «عرفات» کوچیدید، خدا را نزد «مشعر الحرام» یاد کنید. او را یاد کنید همان‌گونه که شما را هدایت کرد و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید.

یکی از اماکن دعا، بلکه اشرف مکان‌ها، نزد قبر امام حسین (ع) است. روایت شده که خدای تعالی عوض شهادت، چهار چیز به امام حسین (ع) عطا فرمود است:

یکی آنکه شفا را در تربتش قرار داده است؛ دیگر اجابت دعا را زیر گنبدش و امامت را در ذریه‌اش و اینکه روزهایی را که زائران قبرش او را زیارت می‌کنند، از عمرشان محسوب نمی‌شود. (۱)

ج) اسم اعظم

از دیگر اسباب استجاب دعا، دعایی است که متضمن اسم اعظم باشد و آن را کسی به عینه و به‌طور قطع نمی‌داند، مگر شخصی که خدای تعالی او را (از انبیا و اولیای خدا) بر آن اطلاع داده باشد. (۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۲۳.

۲- ر. ک: تفسیر دعای سحر، امام خمینی، ۱ ص ۱۵۸.

ص: ۴۹

اسم اعظم بکنند کار خود ای دل خوش باش که به تلبی-س و حی-ل، دیو مس-لمان نشود(۱)

د) ترکیب دعا و زمان خاص

مانند دعای سمات که در آخرین ساعت روز جمعه خوانده می‌شود.

ه) ترکیب دعا و مکان خاص

مانند ادعیه وارده و زیارات مأثوره که با قرائت آن، مزار ائمه اطهار را زیارت می‌کنیم. نیایش عرفه در سرزمین عرفات، مصداق تام خواندن دعا در زمان و مکانی خاص است.

و) ترکیب دعا با عمل خاص

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «رسول خدا (ص) فرمود: کسی که برای خدا نماز واجب را به‌جای آورد، در دنبال آن دعا مستجاب می‌شود». (۲)

۴. آداب نیایش

الف) دعای با گریه

دل سنگین تو را اشک من آورد به‌راه سنگ را سیل تواند به‌لب دریا برد(۳)

یکی از مهم‌ترین آداب و مقارنات نیایش، همراه بودن آن با

۱- حافظ.

۲- صحیفه الرضا، ص ۴۲.

۳- حافظ.

ص: ۵۰

گریستن است. در نیایش عرفه نیز همان گونه که ذکر خواهد شد، اباعبدالله الحسین (ع)، بخشی از دعا را در حال گریه و تضرع بیان می‌فرماید. امام علی (ع) فرمود:

گریه و ترس از خدا، یکی از احسان‌ها و رحمت‌های خداست. اگر دارای آن شدید، مغتنم بشمارید و دعا کنید که اگر در یک ملت و جمعیتی کسی بگیرد، خداوند بر تمام آن ملت ترحم می‌فرماید. (۱)

گریه، با ارزش‌ترین سرمایه عارفان واصل است. از همین روست که در مناجات چنین می‌خوانیم که:

ارْحَمَ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ. (۲)

مورد مهربانی خود قرار ده کسی را که سرمایه‌اش امید، و ساز و برگش گریه است.

امام صادق (ع) درباره ارزش چشم گریان، می‌فرماید:

هیچ چشمی نیست جز اینکه روز قیامت گریان است، مگر چشمی که از ترس خدا گریسته باشد و هیچ چشمی نیست که از ترس خدای عزوجلّ به اشک خود پر شود، جز اینکه خدای عزوجلّ همه آن بدن را به آتش دوزخ حرام گرداند و آن اشک، بر گونه‌ای روان نگردد که گرد پریشانی و خواری بیند و هیچ چیزی نیست، جز اینکه پیمان‌ه و وزنی دارد، مگر اشک که همانا خدای عزوجلّ به اندکی از آن دریاهایی از آتش را خاموش

۱- مکارم‌الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲- مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

ص: ۵۱

کند. پس اگر بنده‌ای در میان یک امتی بگرید، خدای عزوجلّ به خاطر گریه آن بنده، به همه آن امت رحم کند. (۱)

گریه بر هر درد بی‌درمان دواست چشم گریان چشمه فیض خداست

حضرت شعیب (ع)، از دوستی خداوند آنقدر گریست تا نابینا شد. ولی خداوند او را بینا ساخت. دوباره گریست تا نابینا شد.

خداوند او را بینا کرد تا سه مرتبه. در مرتبه چهارم، وحی شد که ای شعیب! اگر گریه تو از خوف جهنم است، از آن ایمن باش و

اگر از شوق بهشت است، به تو عطا کردیم. عرض کرد: «الهی! برای محبت توست». خطاب شد: «چون از این جهت می‌باشد،

به زودی کلیم خود، موسی را به خدمت‌گزاری و شبانی تو خواهیم فرستاد». (۲)

امام باقر (ع) فرمود:

هیچ قطره‌ای نزد خدا محبوب‌تر نیست از آن قطره اشکی که در تاریکی شب از ترس خدا بریزد و جز خدا چیز دیگری به آن منظور

نباشد. (۳)

ای خوشا تاریکی و اشک روان ای خوشا اشک روان عاشقان

جان فدای عاشقی کو نیمه‌شب دیده گریان، اشک ریزان، خشک لب

گاه بر بار گناهان، اشک ریز گه بود در فکر روز رستخیز (۴)

۱- اصول کافی، ج ۴، صص ۲۳۳ و ۲۳۴.

۲- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۸۰.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۳۴؛ بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۸۰.

۴- مولوی.

ب) دعای با توجه

تضرع و ابتهال باید با توجه و حضور قلب و رعایت حد دعا باشد. قرآن کریم می‌فرماید:

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (اعراف: ۵۵)

پروردگار خود را از روی تضرع و در پنهانی بخوانید و از تجاوز دست بردارید که او متجاوزان را دوست ندارد.

وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ (اعراف: ۲۰۵)

و پروردگارت را در درون خود از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن و از غافلان مباش.

مفسران بزرگوار فرموده‌اند:

خُفْيَةً به معنای خواندن به صورت آهسته و آرام در پنهانی است و اگر کسی هنگام دعا فریاد کشید، متعدی است و از حد دعا

تجاوز کرده است؛ زیرا خداوند، موجود دوری نیست.

در قرآن می‌خوانیم:

رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (آل عمران: ۸)

پروردگارا دل‌هایمان را بعد از آنکه ما را هدایت کردی، از راه حق منحرف مگردان و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش؛ زیرا تو

بخشنده‌ای.

ص: ۵۳

روایت شده که امیر مؤمنان (ع) فرموده:

الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ وَ خَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنْ صَدْرٍ نَقِيٍّ وَ قَلْبٍ تَقِيٍّ وَ فِي الْمَنَاجَاهِ سَبَبُ النَّجَاحِ وَ بِالْإِخْلَاصِ يُكُونُ الْخَلَاصُ فَإِذَا اشْتَدَّ الْفَرْعُ فَإِلَى اللَّهِ الْمَفْرَعُ (۱).

دعا کلیدهای نجات و گنجینه‌های رستگاری است و بهترین دعا آن دعایی است که از سینه پاک و دلی پرهیزگار برآید و وسیله نجات در مناجات است و خلاصی به اخلاص آید و چون فرع و بی‌تابی سخت شود، مفرع و پناه‌گاه خداست. اهل عمل، از راه عدل وارد می‌شوند و به اجر و پاداش خود می‌رسند. اما اهل دعا و سؤال از راه فضل وارد و مشمول رحمت الهی می‌شوند.

حضور گرهی خواهی از او غافل مشو حافظ متی مائل حق من تهوی دع الدنيا وأهملها

ج) اعتراف به تقصیر

در مورد کوتاهی کردن در عبادت و نیایش می‌توان به روایت‌های زیر اشاره کرد:

موسی بن جعفر (ع) به یکی از فرزندان فرمود:

يَا بَنِي عَلَيْكَ بِالْجِدِّ لَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَدِّ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ

ص: ۵۴

عَزَّوَجَلَّ وَطَاعَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُعْبَدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ. (۱)

پسر جانم! همواره کوشش کن، مبادا خودت را در عبادت و طاعت خدای عزوجل بی تقصیر دانی؛ زیرا خدا چنان که شایسته است، پرستش نشود.

جابر گوید: امام باقر (ع) به من فرمود: «

يَا جَابِرُ لَا أَخْرَجَكَ اللَّهُ مِنَ النَّقْصِ وَ [لَا] التَّقْصِيرِ» (۲)؛ «ای جابر! خدا تو را از کاستی و تقصیر بیرون نبرد».

[یکی از علمای کوفه گوید: «یعنی خدا توفیقت دهد که همیشه عبادت را ناقص و خود را مقصر دانی»].

حضرت ابوالحسن (ع) فرمود:

إِنَّ رَجُلًا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَبْدَ اللَّهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً ثُمَّ قَرَّبَ قُرْبَانًا فَلَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فَقَالَ لِنَفْسِهِ مَا أُتِيْتُ إِلَّا مِنْكَ وَمَا الذَّنْبُ إِلَّا لَكَ.

مردی در بنی اسرائیل چهل سال عبادت خدا کرد و سپس قربانی نمود و از او پذیرفته نشد. با خود گفت: «این وضع از خودت پیش آمد و غیر از تو، گناهکار نیست».

سپس فرمود:

فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ ذَمُّكَ لِنَفْسِكَ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَتِكَ أَرْبَعِينَ سَنَةً. (۳)

خدای تبارک و تعالی به او وحی نمود که نکوهشی که از خود کردی، از عبادت چهل سال بهتر بود.

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۱۶.

۲- همان.

۳- همان.

ص: ۵۵

همچنین فضل بن یونس از حضرت ابوالحسن (ع) نقل می‌کند که فرمود: بسیار بگو: «بار خدایا! مرا از عاریه‌داران ایمان قرار مده و از تقصیر بیرون مبر». عرض کردم:

معنای عاریه‌داران را می‌دانم که مردی دین را به‌طور عاریه می‌گیرد و سپس از آن خارج می‌شود [چون دینش مستقر و ثابت نبوده، پس از اندکی کافر و بی‌دین شود] معنای مرا از تقصیر بیرون مبر، چیست؟

حضرت فرمود:

هر عملی که به مقصد خدای عزوجل می‌کنی، خود را در آن مقصر شناس؛ زیرا مردم همگی در اعمال خویش میان خود و خدا مقصرند، جز آن‌که را خدای عزوجل نگهداری کند [که انبیا و ائمه (علیهم‌السلام) باشند؛ زیرا ایشان در شرایط عبادت به اندازه امکان کوتاهی نکنند، اگرچه برای اظهار عجز و نقصان، خود را مقصر دانند]. (۱)

بنده همان به که ز تقصیر خویش، عذر به درگاه خدا آورد و نه سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد

ص: ۵۷

گفتار سوم: مهمترین نیایشهای وارده در روز عرفه**۱. نیایش عرفه حضرت اباعبدالله الحسین (ع)****اشاره**

شاه دین گفتا که من از خویشان دل بر گرفتم چون خود از دل بر گرفتم، یک جهان دلبر گرفتم

الف) مضمون عرفانی نیایش عرفه اباعبدالله الحسین (ع)

دعای عرفه، آکنده از مفاهیم، ارزشهای قرآنی و تعالیم آسمانی است. با خواندن دعای عرفه، درمییابیم که چه مقدار ائمه (علیهم‌السلام) با قرآن مأنوس بوده و چگونه با مکتب دعا، انسان را هدایت و راهبری می‌کنند. این دعا، بیانگر راز و نیاز عاشقان‌سرور آزادگان عالم با محبوب و معبود یکتاست و متضمن گهرهای ارزشمندی است که به انسان، روح

ص: ۵۸

حیات میبخشد.

درباره دعای شریف عرفه، سند و مضمون کلی آن، باید بگوییم که این دعا، طبق منابع روایی ما، از سید عارفان و اسوه‌کامل آزادی‌خواهان عالم، حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، در صحرای عرفات و عصر روز عرفه، صادر شده است. در سرتاسر این دعای پر فیض، بندگی، ایثار، شهامت، شجاعت، کمال، علم، حلم، تواضع و اخلاص گوینده آن موج می‌زند. بشر و بشیر، فرزندان غالب اسدی، روایت کرده‌اند:

حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) عصر روز عرفه، به حالت خشوع و تواضع از خیمه‌اش خارج شد و آرام آرام قدم بر میداشت، تا اینکه او و گروهی از اهل بیت (علیهم‌السلام) و فرزندان و دوستانش، در سمت چپ کوه «جبل‌الرحمة» رو به قبله ایستادند. سپس امام (ع)، مانند فقیری که درخواست غذا می‌کند، دستانش را در برابر صورتش بلند کرد و سپس دعا را ذکر فرمود. (۱)

و چه دعای با‌مُسَمَّایی است دعای عرفه! این دعای شریف (فراز اول دعای عرفه) یکی از نشانه‌های روح حماسی و بزرگ حضرت اباعبدالله (ع) است.

فرازهای نیایش عرفه امام حسین (ع)، به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. شناخت حق تعالی؛

۲. تجدید عهد و میثاق با خدا؛

۳. خودشناسی؛

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۲.

ص: ۵۹

۴. راز آفرینش؛
۵. تربیت انسان در دانشگاه الهی؛
۶. نعمت‌های خداوند؛
۷. شهادت به بی‌کرانی نعمت‌های الهی؛
۸. ناتوانی بشر از به‌جا آوردن شکر الهی؛
۹. دور کردن صفت نکوهیده از خود با تسبیح پروردگار؛
۱۰. خواسته‌های یک انسان متعالی؛
۱۱. شناخت و درخواست بهترین مسئله‌ها؛
۱۲. درخواست نیازهای تربیتی از خدا؛
۱۳. شکایت به پیشگاه خداوند؛
۱۴. مربی پیامبران و فرستنده کتب آسمانی؛
۱۵. لطف الهی به پیام‌آوران رحمت الهی؛
۱۶. گنه بینی و لطف خداوندگار؛
۱۷. مقایسه‌ای میان اعمال ما و رفتار خدا؛
۱۸. اقرار و اعتراف به الطاف الهی؛
۱۹. اعتراف به گناه خویش؛
۲۰. اظهار شرمندگی؛
۲۱. ثنای پروردگار؛
۲۲. حاجت خواهی؛
۲۳. درخواست بهترین عطایا؛

ص: ۶۰

۲۴. گسترش رحمت الهی؛

۲۵. گسترش علم، توانایی و رأفت الهی؛

۲۶. توجه به خدا به وسیله پیامبر (ص)؛

۲۷. تسبیح کائنات؛

۲۸. روزی حلال و نعمت سلامتی.

ب) سند نیایش

این دعای با عظمت که در توحید و خداشناسی بینظیر است، توسط سرور شهیدان عالم حضرت اباعبدالله الحسین (ع) قرائت و انشاء شده است و در بلاغت لفظ و علو معنا مشهور است و آن را باید از ادله امامت و ولایت حضرتش شمرد. این دعا را بشیر و بشر، پسران غالب اسدی روایت کرده‌اند و چنان که از قرائن برمی آید، این دو نفر خود، مردانی سخن شناس، خردمند و هوشیار بوده‌اند. شیخ بشیر اسدی را در رجال، از اصحاب حضرت اباعبدالله الحسین (ع) شمرده‌اند؛ هرچند ضبط و نقل این دعا، خود دلیل روشنی بر خردمندی و سخن شناسی وی است.

خطبه حضرت زینب^۳ در کوفه را نیز او نقل کرده است؛ همان خطبه‌ای که بر بلیغ‌ترین خطیبان عالم طعن می‌زند؛ تا جایی که خود بشیر، از بیان حد بلاغت آن عاجز می‌ماند و بهتر از این بیان نمی‌یابد؛ بیانی که در نهایت، به کلام امیرمؤمنان (ع) (۱) تشبیه می‌شود. باری بشیر

۱- كَأَنَّمَا تَنْطِقُ وَ تُفْرَغُ عَنِ لِسَانِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ۷.

ص: ۶۱

راوی دعای عرفه، شیفته سخنان بلیغ آن حضرت بود. خُزیم بن بشیر که خطبه حضرت زین‌العابدین (ع) از او روایت شده، همان بشر بن خُزیم است که به تصحیف، نام او و پدرش مقدم و مؤخر شده است.

مرحوم شیخ کفعمی دعای عرفه امام حسین (ع) را در بلدالامین نقل فرموده و به ظاهر شیخ هم از سید بن طاووس آن را نقل کرده و راوی آن بشر و بشیر فرزندان غالب اسدی هستند که اصل دعا را روایت کرده‌اند. در کتابخانه‌آستان قدس رضوی (ع) نسخه قدیمی و معتبر از اقبال موجود است با زیادت، ولی کفعمی آن را نقل نکرده، شاید برای آنکه در نسخه وی، این زیادت نبوده و من خود بعضی نسخ اقبال را دیدم که سقط بسیار داشت و چند فراز از آن حذف شده بود.

از جهت معنا، ضعفی در آن مشاهده نمی‌شود و از جهت لفظ و بلاغت نیز اگر چند کلمه بدان جزالت (۱) نباشد که در اول دعاست، احتمال اختلاف نسخه و تصرف سهوی روات بعید نمی‌نماید؛ چنان‌که در اول دعا تغییر و زیاده و نقصان و اختلاف میان نسخ اقبال و بلدالامین موجود است. علامه مجلسی (رحمه‌الله) در زادالمعاد، این دعای شریف را موافق روایت کفعمی ایراد فرموده است.

چون طبق اصل معروف »

دلالته تغنی عن السند «، گاهی مفهوم و محتوای حدیث به قدری با عظمت و مطابق اصول است که به سند نیازی نخواهد داشت.

۱- بزرگی، خوبی، فراوانی، استواری، فصاحت و روانی سخن. فرهنگ عمید.

ص: ۶۲

بدیهی است که نظیر مضامین این نیایش در عالی‌ترین درجه حکمت و عرفان اسلامی را هیچ کسی، جز انبیای عظام و ائمه معصومان (علیهم‌السلام) نمی‌تواند بیان کند.

در زمینه حدیث‌شناسی و رجال، القای شبهه در مورد زیادتی که در بعضی نسخ آمده مسموع نیست؛ به‌ویژه اینکه امام خمینی (رحمه‌الله) پس از رد کلام محقق قونوی، می‌فرماید:

لَيْسَ عِنْدَ الْعُرَفَاءِ الْكَامِلِينَ بَشَيْءٍ بَلَّ مَا تُؤْهِمُ أَنَّهُ مِنْ كَلِمَاتِ الْأَوْلِيَاءِ الشَّامِخِينَ عِنْدَهُمْ فَاسِدٌ. (۱)

اشکال محقق قونوی نزد عرفای کامل قابل اعتبار نیست و آنچه از دعای عرفه امام حسین (ع) را که گمان کرده از سخنان عرفای بزرگ [اسلام] است، قابل قبول نیست.

با استناد به فرازی از زیادتی دعای عرفه و اسناد صریح آن به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) با استدلال و نقل این عبارت از زیادتی دعا: »

قال مولانا أبو عبد الله الحسين (ع) في دُعَاءِ عَرَفَةَ: أَلْغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ، صَدَقَ وَلِيَّ اللَّهِ رُوحِي لَهُ الْفِتَاءُ «؛ «اباعبدالله الحسين در دعای عرفه فرمود: آیا برای غیر تو ظهوری است درحالی که آن چیز از تو نباشد» دیگر جای هیچ‌گونه ابهامی در انتساب صدور زیادتی دعا به آن حضرت باقی نمی‌ماند. به همین دلیل، مرحوم سید بن طاووس (رحمه‌الله) در اقبال، پس از ذکر « یا ربُّ یا ربُّ یا ربُّ » زیادتی را بیان فرمود.

۱- مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة، امام خمینی، ص ۶۶.

۲. نیایش عرفه امام سجاد (ع)

الف) اهمیت صحیفه مبارکه سجّادیه

این کتاب شریف، معروف به «صحیفه کامله» و «زبور (۱) آل محمد (ص)» و «انجیل (۲) اهل بیت (علیهم السلام)» است که باید همه مسلمانها به وجود آن افتخار کنند؛ چنانکه شرح آن نیز به نام «ریاض السالکین» تألیف سید اجل سید علیخان از آثار ممتاز و پرفایده و در نوع خود بینظیر است. زعیم امامیه، معمار و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، در مورد این مائده آسمانی می‌فرماید:

صحیفه کامله سجّادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگ‌ترین مناجات [های] عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است. آن کتابی است الهی که از سرچشمه نورالله نشئت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم‌الشان را به اصحاب خلوتگاه الهی می‌آموزد. . . . این کتاب مقدس، چون قرآن کریم، سفره الهی است که در آن، همه گونه نعمت موجود است و هر کس به مقدار اشتهای معنوی خود از آن استفاده میکند. این کتاب همچون قرآن الهی، ادقّ معارف غیبی است که از تجلیات الهی در ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت و مافوق آن حاصل میشود و در ذهن من و تو نیاید و دست طلبکاران از حقایق آن کوتاه است. (۳)

۱- محتوای زبور حضرت داود ۷ نیایش و مناجات است.

۲- انجیل حضرت عیسی ۷ بیشتر در بردارنده مواعظ آن حضرت است.

۳- صحیفه نور، امام خمینی قدس سره، ج ۲۱، ص ۲۰۹.

ص: ۶۴

بیاییم با هم فروتنانه، بر سر سفره‌جاودانه صحیفه‌سجّادیه بنشینیم و در برابر علی ثانی، زین العابدین (ع) زانو بزنیم و به سخنان گهربارش گوش جان بسپاریم که سخن یار شنیدن از زبان معشوق، بسی شیرینتر و دل‌چسبتر و بیگمان، مؤثرتر خواهد بود.

صحیفه سجّادیه، پس از قرآن کریم و نهج البلاغه با عظمت‌ترین کتاب است که کلمات پر محتوایش، خود معرف ارزش خویش است. این چنین واژه‌ها و الفاظ والایی (که تالی تلو کتاب خداست)، جز از زبان معصوم تراوش نکند.

در سال ۱۳۵۳ه. ق روزی که نسخهای از این کتاب (صحیفه مبارکه سجّادیه) را مرجع فقید مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (رحمه‌الله) برای مفتی بزرگ اهل سنت در مصر «شیخ طنطاوی جوهری»، مؤلف و صاحب «تفسیر الجواهر» (مفتی اسکندریه) به قاهره فرستاد، ایشان پس از تشکر از دریافت این هدیه‌گران‌بها و ستایش فراوان از آن، در پاسخ، چنین اقرار کرد:

این از بدبختی ماست که تاکنون بر این اثر گرانبهای جاوید که از موارث نبوت و اهل بیت (علیهم‌السلام) است، دست نیافته بودیم و من هرچه در آن می‌نگرم، آن را فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق میابم. ۱

برادران اهل سنت، آن هم قشر دانشمندان، از اینکه صحیفه را

۱. صحیفه سجّادیه، ترجمه: سید صدرالدین بلاغی، ص ۳۷؛ ر. ک: مقدمه الصحیفه السجّادیه، مدیر کاظم شانه‌چی، ص ۵۰.

ص: ۶۵

ندیده و نشناخته بودند، آن را از بدبختی خود می‌دانستند. نکند ما با داشتن صحیفه و مهجور ماندن از این مائده الهی، بدبختتر از آنها باشیم. ویژگی صحیفه کامله سجّادیه که از دو لب نازنین امام سجّاد (ع) صادر شده، این است که هر مراجعه‌کننده بی‌غرضی را به مراتبی از عرفان و عشق به خداوند تبارک و تعالی می‌رساند که دیگر تا پایان عمر حاضر نیست دست از آن بردارد و همچنان بدان عشق ورزیده و با آن انس می‌گیرد.

از اینرو، بهترین کتابها در حوزه دعا به رشته تحریر درآمده‌اند و کامل‌ترین آنها را نیز بزرگان و دانشمندان شیعه تألیف و تدوین کرده‌اند و به پیش‌گاه سحرخیزان کامروا و موحدان دردمند و یکپهتان عرصه توحید و عبادت و نیایش عرضه داشته‌اند.

ب) نیایش عرفه صحیفه مبارکه سجّادیه

در آموزه‌های دینی به خواندن چهل و هفتمین نیایش صحیفه مبارکه سجّادیه در روز عرفه، سفارش شده است. این نیایش، در بردارنده راز و نیازهای عالمانه، عارفانه و عاشقانه امام سجّاد (ع) است؛ مهم‌ترین مفاهیم این نیایش عبارت‌اند از:

۱. حمد خداوند؛
۲. شناخت پروردگار؛
۳. شکر خداوند؛
۴. صلوات بر محمد و آل محمد؛

ص: ۶۶

۵. دعا برای امام عصر (عج)؛

۶. اعتراف به نعمت‌های الهی و استغفار از گناهان؛

۷. درخواست‌های یک انسان متعالی از پیش‌گاه خداوند. (۱)

همه فضیلت‌های احصا شده برای روز عرفه و سفارش‌های مکرر و جدی بر کوشش و فیض بردن هر چه بیشتر و بهتر از این روز مبارک، روز عرفه را به نماد نیایش مخلوق با خالق خود مبدل ساخته است و به همین دلیل، ما نیز این بخش را «عرفه، روز نیایش» نام نهادیم.

۱- تجلی حکمت نظری عاشورا در نیایش عرفه، ص ۴۳۵.

ص: ۶۷

بخش دوم: عرفات سرزمین عشق

اشاره

گفتار اول: جایگاه سرزمین عرفات**۱. موقعیت جغرافیایی سرزمین عرفات**

«عرفات»، از ریشه «عَرَفَ» گرفته شده و به گفته راغب: «بیانگر شناخت آثار اشیاء همراه با تفکر و تدبّر است». (۱) این کلمه، اسمی مفرد است که در لفظ، به صورت جمع آمده، ولی جمع بسته نمی‌شود و شاید دلیل آن تفکیک‌ناپذیری اماکن باشد و با این استعمال، گویی هر جزئی از این سرزمین را عرفه دانسته‌اند. (۲)

«فراء» می‌گوید: «عرفات اگرچه به صورت جمع آمده، لیکن معرفه است و دلیل معرفه بودنش نیز آن است که الف و لام بر آن داخل نشود». (۳)

«اخفش» نیز گفته است:

۱- تاج العروس، الحسینی الواسطی الزبیدی الحنفی، ج ۲۴، ص ۱۳۳.

۲- همان، ص ۱۳۸.

۳- همان.

ص: ۷۰

عرفات بدان جهت منصرف است که تاء را به منزله یاء و واو در مُسَلِّمِین و مُسَلِّمُون و تنوین را به منزله نون قرار داده‌اند و آن‌گاه که به صورت اسم استعمال گردد، اعراب آن به همان حال باقی می‌ماند. (۱)

«جوهری» نیز چنین می‌گوید: «این گفته مردم «نَزَلْنَا عَرَفَةَ» و عرفه به صورت مفرد آمده، این استعمال همچون «مَوْلِدٌ» است و عربی خالص و محض نمی‌باشد». (۲)

عرفات سرزمین پهناور و همواری است که هجده کیلومتر مربع مساحت دارد (۳) و امروزه، در فاصله تقریبی ۲۱ کیلومتری شرق (جنوب شرقی) مکه واقع شده است. (۴) برخی فاصله را حدود دوازده میل نوشته‌اند. (۵) «ازرقی» و برخی دیگر، طول و عرض آن را دو میل در دو میل ذکر کرده‌اند. (۶) این مکان، دورترین موقف از مواقف و مشاعر حج است که در عین حال، وسیع‌ترین آنها نیز محسوب می‌شود. (۷) و تنها موقفی است که خارج از محدوده حرم قرار دارد. (۸) سه طرف این

۱- تاج العروس، ج ۲۴، ص ۱۳۸.

۲- لسان العرب، ج ۹، ص ۱۵۷؛ ر. ک: حج در اندیشه اسلامی، ص ۲۲۴.

۳- اشهر المساجد فی الاسلام، سیدعبدالمجید بکر، ج ۱، ص ۱۳۱.

۴- معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث البلادی، ج ۶، ص ۷۵.

۵- المناسک و اماکن طرق الحج و معالم الجزیره، ابراهیم بن اسحاق حربی، ص ۴۷۱؛ لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۳۹۵۰ به نقل از: مقدمه لغت میرسید شریف جرجانی.

۶- اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۹۴؛ مرآة الحرمین، ج ۱، صص ۴۴ و ۳۳۵.

۷- اشهر المساجد فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۱؛ معجم معالم الحجاز، ج ۶، ص ۷۵.

۸- وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۳؛ شفاء الغرام، ج ۱، ص ۴۸۲؛ معالم مکه التاریخیه و الاثریه، ص ۱۸۳.

ص: ۷۱

سرزمین را سلسله کوهی به نام «جبل عرفات» احاطه کرده است. (۱) این سلسله، قوسی را به وجود آورده که وتر آن را «وادی عرنه» تشکیل داده است. (۲)

در شمال شرقی عرفات، کوهی بلند و قهوه‌ای‌رنگ به نام «جبل سعد» قرار گرفته که بر محل وقوف اشراف دارد. (۳) در سمت طلوع خورشید، کوه بلند دیگری واقع شده که از آن، به «جبل ملحه» یاد می‌شود که این، از جهت بلندی و ارتفاع، کوتاه‌تر از کوه سعد است و رنگش به سرخ و سفید با رگه‌های سیاه متمایل است. کوه ملحه، از ناحیه شرق تا جنوب عرفات - که راه طائف در آن قرار گرفته - امتداد دارد. (۴) در قسمت جنوب، سلسله کوه‌های سیاهی واقع شده که بارزترین آنها «ام الرضوم» است (۵) و در ناحیه مغرب و شمال غربی آن، وادی عرنه قرار دارد که خارج از محدوده وقوف است. (۶)

عرفات که خود بین مکه و طائف قرار گرفته (۷)، از جنوب به «وادی نعمان» متصل است که تا وادی عرنه در جنوب غربی،

۱- مرآة الحرمين، ایوب صبری پاشا، ج ۱، ص ۳۳۵.

۲- همان؛ معالم مکه التاریخیه و الاثریه، ص ۱۸۲؛ اشهر المساجد فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۱.

۳- معجم معالم الحجاز، ج ۶، ص ۷۵؛ معالم مکه التاریخیه و الاثریه، ص ۱۸۲.

۴- همان.

۵- همان.

۶- همان.

۷- اشهر المساجد فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۱.

ص: ۷۲

امتداد دارد. (۱)

در وادی نعمان، مزرعه‌های حاصلخیز و زیبایی است؛ تا جایی که شاعران نیز به مدیحه‌سرایی آن پرداخته‌اند. (۲) سعید بن جبیر به

نقل از ابن عباس روایت کرده که در این مکان از فرزندان آدم عهد و میثاق گرفته شد. (۳)

در مورد حدود و مرز عرفات از ابوبصیر و معاویه بن عمار از امام جعفر صادق (ع) چنین نقل شده است: «

وَ حُدُّ عَرَفَاتٍ مِنَ الْمَأْمُونِ إِلَى أَقْصَى الْمَوْقِفِ» (۴)؛ «حد عرفات از مأزمان تا آخرین جای وقوف است».

در روایتی دیگر از معاویه بن عمار به نقل از آن حضرت آمده است:

وَ حُدُّ عَرَفَةَ مِنْ بَطْنِ عُرْنَةَ وَ ثَوِيَّةَ وَ نَمْرَةَ إِلَى ذِي الْمَجَازِ، وَ خَلْفَ الْجَبَلِ مَوْقِفٌ. (۵)

حد عرفه از بطن عرنه و ثویه و نمره تا ذوالمجاز است و پشت کوه «جبل الرحمه» موقوف است.

سماعه بن مهران نیز از امام جعفر صادق (ع) روایت کرده است:

... وَ اتَّقِ الْأَرَكَ وَ نَمْرَةَ وَ هِيَ بَطْنُ عُرْنَةَ وَ ثَوِيَّةَ وَ ذَا الْمَجَازِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ

۱- اشهر المساجد فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۷۰.

۳- همان.

۴- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۷۰.

۵- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۱.

ص: ۷۳

مِنْ عَرَفَةَ. (۱)

از وقوف در اراک و نمره که بطن عرنه است و ثویه و ذوالمجاز پرهیز که آنها از عرفات شمرده نمی‌شوند. حجاج حرم امن الهی، از ظهر تا مغرب شرعی روز عرفه، در آنجا حضور می‌یابد که این امر در اصطلاح فقهی، «وقوف در عرفات» نامیده می‌شود. اهمیت این رکن حج تا آنجاست که در روایات آمده: «اساس حج، همان عرفه و عرفات است». (۲)

زائر آن‌گاه که عزم حج تمتع دارد، روز هشتم از مکه محرم می‌شود و آهنگ عرفات می‌کند که از ظهر روز عرفه تا غروب، قصد وقوف کند و سپس، عازم مشعر شده و بین الطلوعین را در «مُزْدَلَفَه» وقوف کند و آن‌گاه برای اعمال روز دهم، یازدهم و دوازدهم به سوی منا رهسپار شود.

عرفات دشت پهناوری است که روز نهم ذی‌الحجه، تمامی حاجیان را در خود جای می‌دهد. این سرزمین مقدس در اعماق تاریخ خاطره‌ها دارد. حضرت آدم (ع) در اینجا به خطا و ترک اولی اعتراف می‌کند و خدا او را مشمول آمرزش خود قرار می‌دهد و غروب آن روز، مشمول رحمت الهی می‌شود.

- ۱- وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵؛ ر. ک: اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۱۹۴؛ اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، ص ۷؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۰۴؛ کتاب المناسک لاماکن طرق الحج، ص ۵۱۰؛ معجم معالم الحجاز، ج ۶، ص ۷۳.
- ۲- عوالی اللآلی، ج ۲، ص ۹۳.

ص: ۷۴

از امام کاظم (ع) سؤال شد: «آیا وقوف بر جبل‌الرحمه در نظر شما محبوب‌تر است یا وقوف در دامنه و زمین‌های پایین کوه؟» آن حضرت فرمود: «وقوف در دامنه». (۱)

امام صادق (ع) فرمود:

عَرَفَاتٌ كُلُّهَا مَوْقِفٌ وَأَفْضَلُ الْمَوْقِفِ سَفْحُ الْجَبَلِ. (۲)

همه سرزمین عرفات، محل وقوف است. لیکن بهترین مکان برای وقوف، پایین کوه است.

ایشان همچنین در روایت دیگری فرمود:

عَرَفَاتٌ كُلُّهَا مَوْقِفٌ وَمَا قَرَّبَ مِنَ الْجَبَلِ فَهُوَ أَفْضَلُ. (۳)

همه سرزمین عرفات، محل وقوف است، هرچه به جبل‌الرحمه نزدیک‌تر باشد، بهتر است.

راز رفتن به بالای کوه رحمت در این است که انسان بداند خداوند در حق هر زن و مرد مسلمانی مهربان بوده و متولی هر زن و مرد مسلمان است. گرچه خدای سبحان، در مورد همگان ولایت تکوینی دارد و او ولی همه است (۴) و گرچه رحمت عام خدا فراگیر و شامل همه موجودات می‌شود (۵)؛ ولی رحمت خاص او، ویژه پرهیزگاران است؛

۱- وسائل‌الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۱.

۲- کافی، ج ۴، ص ۴۶۳.

۳- وسائل‌الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۹.

۴- ر. ک: کهف: ۴۴.

۵- انعام: ۵۴.

ص: ۷۵

چنان که می‌فرماید:

وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ (اعراف: ۱۵۶)

و رحمتم همه چیز را فرا گرفته و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند، مقرر خواهیم داشت.

۲. فلسفه نامگذاری صحرائ عرفات

راغب اصفهانی می‌گوید:

عرفات نام جایگاه و منطقه‌ای است و از آن‌رو «عرفات» نامیده شد، چون میان آدم و حواء در این منطقه - پس از هبوط آدم بر «سرندیب» و فرود حواء در «جده» و به دور افتادن آنها از یکدیگر و دگرگونه شدن چهره آنها - شناختی حاصل شد. (۱) و دور افتادگان از یکدیگر در اینجا همدگر را شناختند؛ دور افتادگانی که در صدد یافتن یکدیگر، راه دور و درازی درمی‌نوردیدند و در جست‌وجوی همدگر رنج‌ها بر خود هموار ساختند تا آنکه بر پهنه عرفات به هم رسیدند و به شناخت یکدیگر توفیق یافتند].

اگر چنان توجیهی در نامگذاری «عرفات» مقرون به صحت باشد، این سرزمین و وقوف در آن سمبل و رمز و نشانه‌ای است که مسلمانان به دور افتاده از یکدیگر می‌توانند در این کانون تجمع، به تعارف و شناخت یکدیگر توفیق یابند و با تعارف، به تألف و انس و همبستگی با یکدیگر نایل آیند. آدم و حواء در این منطقه به هدف خود رسیدند و همدیگر را

ص: ۷۶

شناختند. بدین ترتیب، نژاد و نسل آنها نیز باید با وقوف در این منطقه، به معرفت حال یکدیگر دست یابند و تشمت و بیگانگی و پراکندگی خود را - با توجه به اینکه هر کدام از سرزمین‌های دور بدین جا می‌آیند - با آمدن و وقوف در این جایگاه، به همبستگی و پیوستگی و خویشاوندی دینی و انسانی تبدیل کنند و از این رهگذر، غربت خود را به قربت و قرابت باز آورند.

همچنین دوست و دشمن را نیز با درنگ‌های آمیخته به تفکر شناسایی کنند. هیچ کسی انسان را بیش از خدا دوست نمی‌دارد و هیچ دوستی بهتر از خدا در عالم وجود ندارد. بنابراین، باید در این جایگاه، رهیده از انگیزه‌های دنیوی - که جایگاهی درخور تفکر و تدبر است - برای برآورده شدن نیاز خویش در پی غیر خدا نباشد، بلکه تنها خدای مهربان را بجوید. امام سجاد (ع) در عرفات مرد تهی‌دستی را دید که از مردم گدایی می‌کرد. به او فرمود:

وای بر تو! در چنین روز، غیر خدا را سراغ می‌گیری. در چنین روزی این امید وجود دارد انسان‌هایی که هنوز چشم به دنیا نگشوده‌اند و هنوز به دنیا نیامده‌اند، از لطف و مرحمت الهی برخوردار باشند. (۱)

از امام صادق (ع) سؤال شد: «عرفات را چرا عرفات می‌نامند؟» حضرت فرمود:

۱- بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۲۹۹.

ص: ۷۷

إِنَّ جِبْرِيْلَ خَرَجَ بِإِبْرَاهِيْمَ (ع) يَوْمَ عَرَفَةَ، فَلَمَّا زَالَتِ الشَّمْسُ، قَالَ لَهُ جِبْرِيْلُ: يَا إِبْرَاهِيْمُ اعْتَرِفْ بِذَنْبِكَ وَاعْرِفْ مَنَاسِكَكَ، فَسُئِمَتْ عَرَفَاتٌ، لِقَوْلِ جِبْرِيْلَ: اعْتَرِفْ فَأَعْتَرَفَ. (۱)

جبرئیل، حضرت ابراهیم (ع) را روز عرفه به این مکان آورد. چون ظهر فرا رسید، جبرئیل گفت: «ای ابراهیم! به گناه خود اعتراف کن و مناسکت را بیاموز». چون جبرئیل گفت اعتراف کن، پس اعتراف کرد. لذا این سرزمین عرفات نامیده شد. بنا بر قولی، حضرت ابراهیم (ع) در این سرزمین خواب دید که اسماعیل (ع) را در راه خدا قربانی می‌کند و به وظیفه خود عارف شد.

مفسران نوشته‌اند:

علت نام عرفات آن است که ابراهیم (ع) شبی خواب دید که باید فرزندش را قربانی کند. چون روز شد در فکر فرو رفت. از این رو، آن روز را «ترویه» نامیدند و چون شب بعد همان خواب را دید و دانست که خواب حق است، نه شیطانی؛ آن شب را «عرفه» نامید. بعضی هم نوشته‌اند:

چون اسماعیل در آن روز آب پیدا کرد و سیراب شد، آن روز را ترویه گفتند و عرفات به این جهت گفتند که جبرئیل، شب احکام حج را آورد و پیغمبر فرمود: «قد عرفت». (۲)

۱- علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۳۶.

۲- داستان‌های عرفانی، محمدتقی فعالی، صص ۱۰۷ و ۱۰۸؛ تفسیر کشف الاسرار، ج ۱، ص ۷۹.

ص: ۷۸

رفتن به سوی عرفات، از زمان حضرت آدم (ع) سنت شد. حضرت آدم (ع) با همراهی جبرئیل اعمال حج و از جمله وقوف در عرفات را به عنوان سنت حج بناگذارد. امام صادق (ع) در این باره فرمودند:

سُمِّيتِ التَّرْوِيَةُ لِأَنَّ جَبْرَائِيلَ (ع) أَتَى إِبْرَاهِيمَ (ع) يَوْمَ التَّرْوِيَةِ، فَقَالَ: يَا إِبْرَاهِيمُ ارْتَوِ مِنَ الْمَاءِ لَكَ وَ لِأَهْلِكَ وَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ مَكَّةَ وَ عَرَفَاتٍ مَاءً. (۱)

روز تروییه را تروییه نامیدند، چون جبرئیل در چنین روزی، نزد حضرت ابراهیم (ع) آمد و گفت: «ای ابراهیم! برای خود و خانواده‌ات آب بردار» و میان مکه و عرفات آبی نبود.

حضرت ابراهیم (ع) پیش از روز نهم ذی‌حجه در خواب دید که اسماعیل (ع) را ذبح می‌کند. هنگامی که بیدار شد، به حالت تروی و فکر فرو رفت که آیا این رؤیا الهی و به منزله دستور آسمانی است، یا نه. از این رو، روز هشتم را «یوم‌التروییه» می‌نامند. ولی ممکن است وجه تسمیه آن به «یوم‌التروییه» این باشد که در آن روز، برای سقاییت حج‌گزاران، آب‌گیری می‌کردند تا زائران را در عرفات و مشعر و منا آب دهند؛ چنان‌که امام صادق (ع) فرمود:

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ أَتَاهُ جَبْرَائِيلُ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ مِنْ يَوْمِ التَّرْوِيَةِ فَقَالَ: يَا إِبْرَاهِيمُ! ارْتَوِ مِنَ الْمَاءِ لَكَ وَ لِأَهْلِكَ. وَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ مَكَّةَ وَ عَرَفَاتٍ يَوْمَئِذٍ مَاءً فَسُمِّيتِ التَّرْوِيَةُ لِذَلِكَ. (۲)

۱- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج ۲، ص ۶۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، صص ۱۵۹ و ۱۶۰.

ص: ۷۹

روز تروییه و هنگام زوال خورشید، جبرئیل نزد ابراهیم آمد و گفت: ای ابراهیم! برای خود و خانواده‌ات آب بردار، و در آن روز بین مکه و عرفات آبی نبود.

این رؤیا، در شب نهم ذی‌حجه نیز برای حضرت ابراهیم (ع) تکرار شد. از این رو، آن حضرت یقین پیدا کرد که باید فرزند خود اسماعیل را ذبح کند. این معرفت در روز نهم و در سرزمین عرفات حاصل شد و بدین سبب، آن روز را «عرفه» و آن سرزمین را «عرفات» نامیدند. (۱)

تروییه به آب اشاره دارد و سر آن «آب معرفت» است؛ معرفتی که در عرفات به ظهور می‌رسد. آب معرفت و زلال حیات، به جان تشنه‌ای می‌رسد که از هر کجا بریده باشد و از همه جا ناامید رو به خدا آورد. در حالت انقطاع است که خداوند مهربان به تن خسته و روح رنجور نظر می‌فرماید و شعله‌های آتشین محبت را در وجود او زنده می‌کند و آب زلال معرفت را به کام او می‌ریزد. عارفی که آب معرفت نوشد، برق شهود در نگاهش می‌درخشد، از رحمت و هدایت الهی بهره‌مند شده، از منبع فیض، رزق می‌خورد و مستعد دریافت معرفت می‌شود و خود را برای ورود به صحنه عرفات مهیا می‌کند.

پیامبر اکرم (ص)، روز عرفه را در «نمره» (۲) فرود آمد. در کنار این سنگ

۱- الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، ج ۷، ص ۱۱۱.

۲- نام کوهی است در عرفات که در دامنه آن مسجدی به نام «مسجد نمره» بنا شده است. به روایتی، حضرت ابراهیم ۷ در این مکان وقوف کرده و در آنجا به نماز و عبادت پرداخته است.

ص: ۸۰

بزرگ، پارچه‌ای بستند تا پیامبر (ص) در سایه آن بنشیند. سال‌های بعد نیز نبی اکرم (ص) در آنجا وقوف می‌کرد و نماز ظهر و عصر می‌گزارد. صحرائ مقدس عرفات، در سال دهم هجری شاهد آخرین حج پیامبر (ص) بود.

در مورد علت نام‌گذاری صحرائ عرفات، چند نکته وجود دارد:

الف) وقتی جبرئیل مراسم حج را به آدم (ع) یا به ابراهیم خلیل (ع) آموخت، در پایان به او گفت: «عَرَفْتُ؟»؛ «آیا شناختی؟»^(۱)؛

ب) آدم و حوّا، در این منطقه یکدیگر را شناختند: «تَعَارَفَا» و باز یافتند؛

ج) عرفات از آن رو به این نام شناخته شد که مردم در این سرزمین به گناهان خود اعتراف می‌کنند؛

د) برخی هم عرفه را به معنای کوه گرفته‌اند.

نویسنده کتاب «مسالک الأفهام» نوشته است:

گرچه در وجه تسمیه عرفات (این سرزمین وسیع) جنبه‌های گوناگونی ذکر شده^(۲)، ولی بهتر آن است که بگوییم این سرزمین وسیع با جذبه روحانی و معنوی عجیبی که دارد، فضای بسیار مناسبی برای کسب معرفت پروردگار و شناسایی ذات پاک او است و مشعر را هم از آن جهت «مشعر» گویند که «مَعْلَم و نشانه‌ای است از این مراسم پرشکوه حج». ^(۳)

۱- ر. ک: علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۶.

۲- ر. ک: مسالک الافهام، زین الدین بن علی شهید ثانی، ج ۲، ص ۲۰۴.

۳- مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۰۹.

ص: ۸۱

بنابراین، این سرزمین را به دو وجه عرفات نامیده‌اند: یا به علت «اعتراف» به گناه؛ هرچند گناه ابراهیم (ع) به معنای خاصی است که با عصمت آن بزرگوار سازگاری دارد یا به علت «معرفت» به عبادت بوده است. البته اعتراف هم به معرفت باز می‌گردد؛ زیرا اعتراف، به معنای معرفت به معاصی است. پس، نام عرفات به لطیفه‌ای عرفانی اشاره دارد که همان معرفت است و عرفات هم چیزی جز معرفت نیست.

در وقوف عرفات، انسان به معارف الهی واقف می‌شود و درمی‌یابد که خدا، همه نیازهای او را می‌داند و قادر به رفع آنهاست و می‌داند که خدا به درون و بیرون او ناظر و آگاه است. آنجا با خدای خود عهد می‌کند که من کسی را به چیزی امر و نهی نمی‌کنم، جز آنکه خود در آن پیش‌قدم باشم. اگر انسانی به اسرار حج و به باطن اعمال اماکن مقدسه آن توجهی نداشته باشد، بی‌شک، از سازندگی‌های حج محروم خواهد شد و شاید کلام امام سجاد (ع) بر او صدق کند که فرمود: «چه بسیارند ضجه زنان و چه اندک‌اند حج گزاران!». (۱) ظاهر حج، انسان را در میان مردم به عنوان حاجی می‌شناساند، درحالی که سیرت حج، سیرت انسان را می‌سازد.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۹.

گفتار دوم: فضیلت‌های عرفات در آینه کتاب و سنت

۱. فضیلت سرزمین عرفات در آینه قرآن کریم

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفْضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ (بقره: ۱۹۸)

گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (و از منافع اقتصادی صحیح اسلامی است) و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد مشعرالحرام یاد کنید. او را یاد کنید همان‌گونه که شما را هدایت نمود؛ و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید. این آیه کریمه، به سه نکته اساسی اشاره دارد:

ص: ۸۴

الف) اباحه تجارت هنگام حج؛

ب) حرکت جمعی از عرفات به مشعرالحرام؛

ج) وجوب تسبیح و تحلیل احدیت در مشعرالحرام.

ابن عربی می‌نویسد: (۱)

در لغت «افاضه»، حرکت سریع است. . . خداوند در قرآن، وقت افاضه و حرکت دسته‌جمعی از عرفات را مشخص نکرده، لیکن پیامبر (ص) آن را با عمل خود بیان کرده است. آن حضرت در عرفات وقوف کرد تا زمانی که خورشید غروب کرد و قرص خورشید ناپدید گشت. (۲)

جماعت قریش به دلیل شدت کبر و غرور، در عرفات و مشعر از سایر گروه‌ها جدا می‌شدند و در موقع کوچ کردن، مقدم یا مؤخر کوچ می‌کردند و شأن خود نمی‌دانستند که با سایر حاجیان مخلوط شوند. خداوند تعالی ضمن آیه ۱۹۹ سوره مبارکه بقره، ملت اسلام را به اتفاق و اجماع، امر می‌فرماید تا مردم به سبب اجتماع، مقصود صاحب شریعت را درک کنند؛ چه آنکه پیشرفت و رشد جامعه انسانی میسر نیست، مگر با همبستگی.

تمامی حاجیان با پوششی یکسان و هم‌رنگ و یک‌نواخت، همه بیابان‌نشین و به دور از سر و صدای شهر و از دنیا و زرق و برق آن گریخته و به زیر آن آسمان نیلی رحمت و اسعه الهی، آسمانی آزاد و پاک

۱- احکام القرآن، محمد بن عبدالله اندلسی ابن عربی، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲- انوار التنزیل و اسرار التأویل، ابوسعید بیضاوی، ج ۱، ص ۲۲۶.

ص: ۸۵

از آلودگی گناه (۱)؛ همان‌جا که فرشته وحی بال و پر می‌زند و از لابه‌لای نسیمش، صدای زمزمه جبرئیل و آهنگ مردانه ابراهیم خلیل (ع) و نوای حیات‌بخش و گوش‌نواز صدای پیامبر اعظم (ص) طنین‌انداز می‌شود، پناه آورده‌اند. در این سرزمین خاطره‌انگیز که گویا دریچه‌ای است که به جهان ماورای طبیعت گشوده شده، انسان نه تنها از نشئه عرفان پروردگار سرمست و لحظه‌ای با زمزمه تسبیح عمومی خلقت هماهنگ می‌شود، بلکه در درون وجود خود، خودش را نیز می‌یابد و به حال خویشتن نیز عارف می‌شود و درمی‌یابد که او آن‌کسی نیست که شب و روز در پی معاش، تلاشی حریصانه کرده است. صحرا را زیر پا می‌گذارد و هرچه می‌یابد، عطشش فرو نمی‌نشیند. در نهایت، پی می‌برد که گوهر دیگری در درون جان نهفته است که او در حقیقت، همان است. آری، این چنین است که این صحرا، با نام با مسمای عرفات شناخته می‌شود.

در آیه ۱۹۹ سوره مبارکه بقره، پروردگار حکیم، روی یکی از امتیازهایی که قریش برای خود قائل بود، خط بطلان کشید. بدین ترتیب که

۱- هرگاه یکی از بندگان گنه‌کار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه خداوند برآرد، تعالی در او نظر نکند، بازش بخواند، دگرباره اعراض کند. بازش به تضرع و زاری بخواند، حق سبحانه گوید: «یا مَلَأْتُكَی قَدْ اسْتَجِیْتُ مِنْ عَبْدِی وَ لَیْسَ لَهُ رَبٌّ غَیْرِی فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ»؛ «دعوتش را اجابت کردم و امیدش بر آوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم». کرم بین و لطف خداوندگار گنه‌بنده کرده است و او شرمسار گلستان سعدی، صص ۳ و ۴.

ص: ۸۶

قریش، خود را «حُمس» (۱) (بر وزن خمس) می‌خواندند و خویش را از فرزندان حضرت ابراهیم (ع) و سرپرستان خانه کعبه می‌شمردند و برای هیچ‌یک از اعراب، مقامی را که برای خویشان در نظر می‌گرفتند، قائل نبودند. آنها می‌گفتند ما نباید احترام آنچه را از حریم مکه بیرون است با آنچه در حریم مکه است، مساوی بدانیم که اگر چنین کنیم، عرب برای ما ارزشی قائل نخواهد شد! از این رو، وقوف به عرفات را که از محیط حرم بیرون است، ترک می‌کردند، با اینکه می‌دانستند از جمله وظایف حج و آیین حضرت ابراهیم (ع) است. (۲) ولی خداوند در آیه ۱۹۹ سوره بقره به همه مسلمانان دستور می‌دهد همه در یک جا (عرفات) وقوف کنند و از آنجا، همگی به سوی مشعر بیایند و از آنجا هم به سوی منا کوچ کنند.

در نتیجه، این آیه، با اشاره به افاضه، از مشعرالحرام به سرزمین منا حرکت می‌کند و به همین دلیل، کلمه **ثُمَّ** که دلیل بر ترتیب است، پس از مسئله حرکت از سرزمین عرفات به مشعر ذکر شده است. در واقع، قرآن با بیانی شیوا، به همه مردم بدون استثنا دستور می‌دهد که نخست به عرفات و از آنجا به مشعرالحرام (۳) بروند و سپس، از آنجا به سرزمین منا کوچ کنند.

۱- حمس: افرادی که در دین محکم‌اند.

۲- سیره ابن هشام، ج ۱، صص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۳- مشعرالحرام: نام کوهی است که حاجیان باید شب عید قربان تا طلوع خورشید روی آن و اطراف آن بمانند و خداوند تعالی را ذکر کرده و مقصود و منظور صاحب شریعت را تحصیل کنند.

۲. فضیلت سرزمین عرفات در آینه روایت‌ها

الف) اسرار وقوف عرفات

امام سجاد (ع) در حدیث «شبلی» می‌فرماید:

هَيْلٌ عَرَفَتْ بِمَوْقِفِكَ بِعَرَفَةِ مَعْرِفَةَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَمْرَ الْمَعَارِفِ وَالْعُلُومِ وَعَرَفَتْ قَبْضَ اللَّهِ عَلَى صِيحْفِيَّتِكَ وَأَطْلَاعَهُ عَلَى سِرِّيْرَتِكَ وَقَلْبِكَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: نَوَيْتَ بِطُلُوعِكَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ أَنَّ اللَّهَ يَرْحَمُ كُلَّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَيَتَوَلَّى كُلَّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ قَالَ: لَا، قَالَ: فَنَوَيْتَ عِنْدَ نَمْرَةَ أَنْتَ لَا- تَأْمُرُ حَتَّى تَأْتِمَرَ وَلَا تَنْزَجِرُ حَتَّى تَنْزَجَرَ قَالَ: لَا، قَالَ: فَعِنْدَ مَا وَقَفْتَ عِنْدَ الْعِلْمِ وَالنَّمِرَاتِ نَوَيْتَ أَنَّهَا شَاهِدَةٌ لَكَ عَلَى الطَّاعَاتِ حَافِظَةٌ لَكَ مَعَ الْحَفِظَةِ بِأَمْرِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ قَالَ: لَا، قَالَ: فَمَا وَقَفْتَ بِعَرَفَةِ وَلَا طَلَعْتَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ وَلَا عَرَفْتَ نَمْرَةَ وَلَا دَعَوْتَ وَلَا وَقَفْتَ عِنْدَ النَّمِرَاتِ. (۱)

پرسید: آیا با وقوف در عرفات، آگاهی خداوند را به کار معرفت‌ها و دانش‌ها شناختی و به اینکه خداوند، نامه عمل تو را دریافت می‌کند و به آنچه در درون قلبت می‌گذرد آگاه است، پی بردی؟ گفت: نه! پرسید: آیا با صعود بر جبل‌الرحمه نیت کردی که خداوند هر زن و مرد باایمان را می‌آمزد و هر زن و مرد مسلمان را سرپرستی می‌کند؟ گفت: نه! پرسید: آیا نزد وادی «نمره» نیت کردی که فرمان ندهی تا آنکه خود فرمان ببری و نهی نکنی تا آنکه خود پرهیز کنی؟ گفت: نه. پرسید: آن‌گاه که کنار

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

ص: ۸۸

نشانه و نمرات ایستادی، نیت کردی که آنها گواه طاعت‌های تو باشند و به دستور خداوند، آسمان‌ها همراه نگهبانان به نگهبانی تو پردازند؟ گفت: نه! فرمود: پس نه در عرفات وقوف کرده‌ای، نه از جبل‌الرحمه بالا رفته‌ای و نه نمره را شناخته‌ای و نه دعا کرده‌ای و نه کنار نمرات ایستاده‌ای.

وقوف در عرفات، اسرار عرفانی بسیاری دارد که برخی از آنها در حدیث شبلی آمده است. در ذیل به مهم‌ترین این اسرار اشاره می‌کنیم:

وقوف در عرفات، به این معناست که انسان به معارف الهی واقف، عارف و آگاه شود و بداند که خداوند به همه نیازهای او واقف است و برای رفع همه نیازهای او تواناست. خود را به خدا بسپارد و احساس کند که بنده او و محتاج به اوست تا تنها او را اطاعت کند. اگر بنده‌ای مطیع و پیرو خدا شد، از همه چیز و همه کس بی‌نیاز است: «

و طاعته غنی» (۱).

پس کسی که در عرفات می‌ایستد، باید از معرفت طرفی بیند. باید عارف بشود که ذات اقدس الهی به صحیفه قلب او و به درون او و رمز و راز او آگاه است. زائر باید در سرزمین عرفات این آیه شریفه را درک کند:

وَإِنْ تَجْهَرُ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى (طه: ۷)

اگر آشکار سخن بگویی [یا پنهان]، او اسرار پنهانی و پنهان‌تر از آن را نیز می‌داند.

۱- دعای کمیل.

ص: ۸۹

پروردگار شما، از هر کاری که انجام می‌دهید، از هر چرخشی که می‌زنید و از هر سری که درون خود دارید، آگاه است. سخن آشکار و راز نهانی شما را می‌داند و آنچه پوشیده است و حتی برای خود شما نیز روشن نیست و به‌طور ناخودآگاه در زوایای قلب و روح شما عبور می‌کند را هم می‌داند.

به هر ترتیب، انسان باید عارف شود بر اینکه خداوند متعال بر صحیفه قلب او احاطه کامل دارد. اگر انسان بداند که قلب او در محضر و در مشهد حق است، همان‌طور که با اعضا و جوارح خود دست به گناه نمی‌زند، مرتکب گناه خیالی و فکری هم نخواهد شد و آرزوهای باطل به خود راه نخواهد داد. همان‌گونه که کلام باطلی بر لب ندارد و به کسی بد نمی‌گویید، در دل، بد کسی را نیز نمی‌طلبید و همان‌طور که که بدن خود را تطهیر می‌کند، قلبش را نیز از اندیشه و خاطره‌های آلوده پاک می‌سازد.

کسی که در سرزمین عرفات به‌سر می‌برد، شایسته است از کوه جبل‌الرحمه بالا رفته و دعای خاص آن را بخواند. سالار شهیدان حسین بن علی (ع) در قسمت چپ آن کوه، رو به کعبه ایستاد و آن دعای معروف را خواند. راز بالا رفتن از جبل‌الرحمه، این است که بداند خداوند متعال با هر زن و مرد مؤمنی، مهربان و ولی هر مرد و زن مسلمانی است؛ گرچه ولایت خداوند متعال تکوینی است و او ولی کل است: هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ؛ «در آنجا ثابت شد که ولایت [و قدرت] از آن

ص: ۹۰

خداوند برحق است». (کهف: ۴۴)

و اگرچه رحمت خداوند متعال فراگیر است، اما آن ولایت و رحمت عام است و در کنار این ولایت و رحمت عامه، رحمت ویژه‌ای نیز دارد که در حق همه نیست: وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ (اعراف: ۱۵۶)

در بخش اول آیه، مشخص فرمود که رحمتش فراگیر است و در بخش دوم آن، فرمود: بر خود لازم کرده‌ام که رحمت خاص را شامل متقین سازم؛ زیرا كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ؛ «خداوند متعال رحمت را بر خود لازم کرده است». (انعام: ۱۲)

از مجموع دو آیه، درمی‌یابیم که خداوند متعال بر خود لازم کرده که رحمت خاص خود را به پرهیزگاران بدهد. رفتن به بالای جبل‌الرحمه، انسان را به این حقیقت آشنا و عارف می‌کند (۱) که خداوند متعال، رحمت و ولایت خاصی بر مرد و زن با ایمان و مسلمان دارد. طبیعی است وقتی به این حقیقت مزین شد، نسبت به زن و مرد مؤمن رحمت ویژه‌ای دارد و به آنها ولایت ویژه‌ای پیدا می‌کند و در رفتار، گفتار و نوشتار خود، این سر را پیاده می‌سازد.

در سرزمین عرفات، منطقه‌ای به نام «نمره» واقع شده است. به فرموده امام سجاد (ع)، وقتی به این منطقه از عرفات رسیدید، راز و رمز این

۱- جبل‌الرحمه، تقریباً در انتهای سرزمین عرفات واقع شده و به طول تقریبی ۳۰۰ متر مستقل از کوه‌های اطراف است.

ص: ۹۱

است که بگویید: «خدایا! به چیزی امر نمی‌کنم؛ مگر آنکه قبلاً خودم به آن عمل کنم و مؤتمر باشم و از چیزی نهی نمی‌کنم، مگر آنکه قبلاً خودم از آن منزجر باشم». (۱)

امر به معروف و نهی از منکر بر هر انسان مسلمانی واجب است.

امر به معروف و نهی از منکر، دارای یک حکم فقهی و یک سرّ است. حکم فقهی آن، این است که عالم به حکم شرعی باشد؛ اگر دید کسی با علم و آگاهی و به عمد حکمی را رعایت نمی‌کند، باید او را راهنمایی کند.

بدیهی است امر به معروف و نهی از منکر، غیر از تعلیم، موعظه و ارشاد است. (۲) امر به معروف و نهی از منکر، جنبه ولایت و آمریت دارد؛ گرچه ممکن است در بعضی از موارد، مصداق تعلیم، ارشاد یا موعظه هم قرار گیرد، ولی حقیقت امر به معروف و نهی از منکر، از این موارد جداست.

در امر به معروف و نهی از منکر، لازم نیست خود انسان درونی پاک داشته یا متّصف به عدالت باشد. عدالت شرط امر به معروف و نهی از

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۴۵.

۲- فرق بین «امر به معروف و نهی از منکر» و «موعظه و ارشاد» آن است که حوزه مأموریت امر به معروف و نهی از منکر، «عمل» و حوزه مأموریت موعظه و ارشاد، «انجام‌دهنده عمل» است. امر و نهی می‌گویند: گناه انجام نشود. اما در موعظه اهتمام بر این است که انجام‌دهنده گناه و تارک فریضه، هدایت شود. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر، متوجه «قبح فعلی» است و ارشاد و موعظه متوجه «قبح فاعلی» است.

ص: ۹۲

منکر نیست، بلکه علم، آگاهی و احتمال تأثیر از شرایط آن است.

اما با وجود این، در سرزمین عرفات راز و رمز امر به معروف و نهی از منکر، به عدالت برمی‌گردد؛ بدین معنا که انسانی که امر است، باید پیش از این مؤتمر باشد. انسانی که ناهی و زاجر است، پیش از این باید منتهی و منزجر باشد و بگوید: خدایا! آن‌چنان توفیقی بر من عنایت کن که هر چه را به دیگران، به عنوان «امر به معروف» امر می‌کنم، ابتدا خود بدان عمل کرده باشم و از آنچه دیگران را نهی می‌کنم، پیش از آن، خود از آن فعل، منزجر شده باشم. آری! در اسرار حج، عدالت شرط امر به معروف و نهی از منکر است.

«نمرات» منطقه وسیعی در عرفات است که با علامت‌های خاصی مشخص شده است. حضرت سجّاد (ع) فرمود:

روز نهم که وارد سرزمین عرفات شدی و به این منطقه وسیع رسیدی، سرّش آن است که آگاه باشی این سرزمین، سرزمین شهادت، معرفت و عرفان است و بدانند که چه کسانی بر روی آن گام می‌نهند و با چه انگیزه‌ای آمده‌اند و با چه انگیزه‌ای برمی‌گردند! گذشته از آنکه خدا و فرشتگان هم شاهدند.

خداوند تعالی این منطقه و این سرزمین را شاهد اعمال شما قرار داد؛ به طوری که خوب می‌داند شما چه می‌کنید. زمین‌هایی که زائران گام بر آن می‌نهند، خود به خوبی روشن می‌سازد که زائر، حاجی و معتمر، به چه نیت آمده و با چه نیتی باز می‌گردند.

ص: ۹۳

صاحب «مستدرک» در حدیثی طولانی به نقل از «تفسیر عسکری» از امام سجاد (ع) نقل می‌کند (۱) که آن بزرگوار در عرفات، وقوف یافته بود. امام (ع) خطاب به «زهری» فرمود: «به نظر شما، امسال تعداد زائران چقدر است؟» زهری عرض کرد: «چهارصد یا پانصد هزار نفر که همه قصد خدا را کرده‌اند و او را با ناله و ضجه می‌خوانند». امام (ع) فرمود: «

مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَأَقْلَّ الحَجِيجَ»؛ «چه بسیارند ضجه‌زنان و چه کم‌اند حجّاج».

سپس فرمود: «ای زهری! صورتت را نزدیک بیاور». زهری صورت خود را نزدیک کرد. امام (ع) با دست مبارکش، رخسار او را مسح نمود، سپس گفت: «بین!» . زهری گفت: «تمام خلق را دیدم که میمون بودند و تنها در هر ده هزار نفر یک انسان دیدم». باز امام فرمود: «زهری صورتت را نزدیک کن». او چنین کرد و امام بار دیگر صورت زهری را مسح نمود و به او گفت: «نگاه کن». زهری نگاه کرد و تمام آنها را خوک دید. بار سوم چنین شد و زهری تمام خلق را گرگ دید و تنها تعداد اندکی انسان مشاهده کرد. آن‌گاه رو به امام کرد و گفت: «آیات تو مرا وحشت زده کرد و افعال عجیب تو مرا متحیر». سپس امام صورت او را مسح نمود و زهری به حالت عادی بازگشت. سپس امام سجاد (ع) گوشه‌هایی از اسرار ملکوتی حج را بیان فرمود.

کسانی که همچون ستاره‌ای میان تاریکی می‌درخشیدند، حاجیان،

ص: ۹۴

مؤمنان و مخلصان واقعی‌اند که به پیامبر (ص) و اولادش با تمام وجود عشق می‌ورزند و آنهایی که به صورت باطنی، حیوانی بیش نیستند، دشمن سرسخت رسول خدا (ص) و اولاد اویند. حاجیان به اندازه نورشان که به اندازه ولایت‌پذیری آنهاست، در عرصات قیامت نمایان می‌شوند.

نور برخی از آنها به اندازه هزار سال است و برخی دیگر به قدر صد هزار سال و هر صاحب نوری به اندازه نورانیتش توان شفاعت دارد.

در کعبه دل عید تجلی جمالت ای قوم به حج رفته، کجایید؟ کجایید؟

سرگشته در آن‌بادیه تاچند پیوید معشوق همین جاست، بیاید بیاید

امیرمؤمنان علی (ع)، درباره راز وقوف در عرفات فرمود: «عرفات خارج از مرز حرم است و مهمان خدا باید بیرون دروازه، آن‌قدر تضرع کند تا لایق ورود حرم شود». (۱)

حج گزار با وقوف در عرفات، باید به معارف واقف شده و از اسرار الهی نظام آفرینش باخیر شود و بداند که خدای سبحان به همه نیازهای او واقف و بر رفع همه آنها تواناست. به یقین، کسی که اینجا، از خدا غیرخدا را طلب کند، زیان کرده است.

ب) عرفات، تجلی‌گاه بندگی

رسول خدا (ص) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَطَوَّلَ عَلَى أَهْلِ عَرَفَاتٍ يُبَاهِي بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ يَقُولُ: يَا مَلَائِكَتِي

ص: ۹۵

أَنْظُرُوا إِلَىٰ عِبَادِي سُعْتًا غُبْرًا أَقْبَلُوا يَضْرِبُونَ إِلَيَّ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ، فَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ أَجَبْتُ دُعَائِهِمْ وَشَفَعْتُ رَغْبَتَهُمْ وَوَهَبْتُ مُسِيئَتَهُمْ لِمُحْسِنِهِمْ وَأَعْطَيْتُ مُحْسِنَهُمْ جَمِيعَ مَا سَأَلَنِي، غَيْرَ التَّبَعَاتِ الَّتِي بَيْنَهُمْ. (۱)

خداوند بر اهل عرفات نعمت داده، به وسیله آنها بر فرشتگان مباحات کرده، می‌فرماید: ای فرشتگان من! به بندگانم بنگرید، ژولیده و غبار آلود، از هر راه دوری راه سپرده و آمده‌اند. شما را گواه می‌گیرم که دعایشان را مستجاب کرده، خواسته‌شان را برآورم. خطاکارشان را به خاطر نیکوکارشان بخشیدم و به نیکوکارانشان هر چه را که از من خواستند، عطا کردم، جز گناهانی را که میان خودشان دارند (حقّ الناس).

حاجی در صحرای عرفات، ازدحام خلق را می‌بیند که همه یک‌رنگ و یک‌لباس، به راز و نیاز با خدا مشغول‌اند. حاجیان صدا به نجوا بلند کرده‌اند، در عین حال که هر کدام زبان، رنگ و نژادی خاص دارند. در سرزمین عرفات نژادها، امت‌ها و مردمان متفاوتی جمع شده‌اند. اینها برای چه به این سرزمین آمده‌اند و به چه هدفی دست نیاز به سوی آسمان بلند کرده‌اند؟ این سؤال‌ها تنها یک پاسخ دارند و آن اینکه همه برای توبه و بخشش آمده‌اند؛ آمده‌اند تا خدای سبحان، حاجت و تضرع آنها را ببیند و به آنها نظر عنایت کرده، از آنها درگذرد.

پس باید قلب را قرین ابتهال و تضرع و سرشار از امید به رحمت

۱- مسند ابی‌یعلی، ابن بطی احمد بن علی الموصلی، ج ۴، ص ۱۴۷؛ ربیع الابرار، ج ۲، ص ۸۴۰.

ص: ۹۶

الهی کرد. اینجا مکان شریفی است؛ اینجا سرزمین رحمت و مغفرت است.

خداوند در عرفات، به فاجر هم پاسخ می‌دهد، سخن او را می‌شنود و اگر تقاضای دنیوی داشته باشد، آن را تأمین می‌کند. اما اگر در دامنه کوه‌های عرفات، حضور یابند و با اخلاص با خدا سخن گویند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت اجابت کرده، گناهانشان را می‌آمرزد.

وقوف در عرفات، منافعی بیش از این دارد. کسی که در سرزمین نور و معرفت وقوف یابد، گوش و چشم و زبانش هم در امان خواهد ماند. رسول خدا (ص) در بیانی نورانی فرمودند:

وَمَنْ وَافَى بِعَرَفَةَ فَسَلِمَ مِنْ ثَلَاثٍ أُذُنُهُ لَا تَسْمَعُ إِلَّا إِلَىٰ حَقٍّ وَعَيْنَاهُ أَنْ تَنْظُرَ إِلَّا إِلَىٰ حَلَالٍ وَلِسَانُهُ أَنْ يَنْطِقَ إِلَّا بِحَقٍّ غُفِرَتْ ذُنُوبُهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ. (۱)

کسی که به عرفات بیاید، از سه چیز در امان است: گوشش فقط حق را می‌شنود؛ چشمش فقط به حلال نگاه می‌کند؛ زبانش فقط به حق گویا می‌شود و تمامی گناهانش بخشیده می‌شود. حتی اگر به اندازه کف‌های اقیانوس باشد.

امیر مؤمنان علی (ع) نیز می‌فرماید:

آن‌گاه که در حجه‌الوداع، رسول خدا (ص) حج گزارد، در عرفات وقوف کرد. سپس رو به مردم کرده، سه مرتبه فرمود: خوش آمدید فرستادگان

ص: ۹۷

خداوند، کسانی که اگر درخواست کنند، به آنان عطا شود و فردای قیامت، در پاداش هر درهم یک هزار حسنه، دریافت دارند. (۱)
 عرفات، عصر روز نهم است. ولی چرا هنگام وقوف در عرفات، عصر است؟ این سؤال را فردی یهودی از رسول خدا (ص) پرسید.
 حضرت (ص) نیز فرمود:

إِنَّ الْعَصْرَ - رَهِيَ السَّاعَةَ الَّتِي عَصَى آدَمُ فِيهَا رَبَّهُ فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيَّ الْوُقُوفَ وَالتَّضَرُّعَ وَالدُّعَاءَ فِي أَحَبِّ الْمَوَاضِعِ إِلَيْهِ وَ
 تَكْفَلُ لَهُمْ بِالْجَنَّةِ وَالسَّاعِيَةُ الَّتِي يَنْصَرِفُ بِهَا النَّاسُ هِيَ السَّاعِيَةُ الَّتِي تَلْقَى فِيهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتِيَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ
 الرَّحِيمُ. (۲)

[فلسفه وقوف در عرفات هنگام عصر، این است که] عصر ساعتی است که آدم پروردگار خویش را عصیان کرد و خداوند بر امت
 من وقوف و گریه و دعا را در بهترین جایگاه واجب گردانید و اعطای بهشت آنها را به عهده گرفت و آن ساعتی که مردم از
 عرفات کوچ می‌کنند، همان ساعتی است که آدم، کلماتی را از خداوند دریافت و توبه کرد. همانا خداوند، توبه‌پذیر و مهربان
 است.

در نقل دیگری آمده است: «آنان که در عرفات وقوف می‌کنند، در حقیقت، پیش روی خدا (بین یدی الله) وقوف کرده‌اند». (۳)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۶.

۲- امالی صدوق، ص ۱۷۱؛ ر. ک: مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۲.

۳- بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۲۰.

ص: ۹۸

عرفات، محل شناخت امام (ع) و دست‌یابی به اوست. امام صادق (ع) در روز عرفه و موقف عرفات، با صدای بلند بر اهمیت مسئله ولایت و امامت تأکید کرد. عمرو بن ابی‌مقدم در این باره چنین روایت می‌کند که در آن روز، امام صادق (ع) خطاب به مردم با صدای بلند می‌گفت:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ الْإِمَامَ، ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ الْحَسَنِ، ثُمَّ الْحُسَيْنَ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليهم السلام)، ثُمَّ هَذِهِ. (۱)

رسول خدا (ص) امام و ولی شما بود، پس از او، علی بن ابی‌طالب امام است. پس از وی حسن بن علی و پس از او، حسین بن علی و پس از وی علی بن الحسین و پس از او، محمد بن علی (پدرم) امام است. پس از من برسید [کنایه از اینکه اکنون من امام شما هستم].

حضرت، این جملات را سه بار و به چهار سوی؛ از پیش‌رو و پشت سر و راست و چپ تکرار کرد که در مجموع دوازده بار سخن آن حضرت به گوش مردم رسید.

ج) عرفات، محل استجاب دعا

ابراهیم خلیل (ع) در عرفات به مناسک حج واقف و عارف میشود و دعایش به استجابت می‌رسد. خداوند به این روز و این سرزمین، شرف و عزت بخشید. طبق روایت‌هایی، همه حاضران در عرفات، دعای مستجاب دارند؛

ص: ۹۹

چه نیکان و چه بدان؛ چنان که امام باقر (ع) فرمود:

مَا يَقِفُ أَحَدٌ عَلَى تَلْحُكِ الْجِبَالِ بَرْزًا وَلَا فَاجِرًا إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ فَأَمَّا الْبُرُّ فَيَسْتَجَابُ لَهُ فِي آخِرَتِهِ وَدُنْيَاهُ، وَأَمَّا الْفَاجِرُ فَيَسْتَجَابُ لَهُ فِي دُنْيَاهُ. (۱)

احدی از نیکان و بدان نیست که بر این کوه‌ها وقوف کند، مگر اینکه خدا دعای او را به اجابت می‌رساند. دعای نیکان در مورد امور دنیا و آخرتشان مستجاب می‌شود، ولی دعای بدکاران، درباره دنیایشان مستجاب می‌شود.

به راستی، عرفه و عرفات بهترین موقعیت برای دعا، استغفار و طلب حاجات است. عرفه از اعیاد بزرگ برای زائران، بلکه برای همه مومنان و روز آمرزش و اعتراف است. امام صادق (ع) در حدیث «مصباح الشریعه»، با اشاره به این مطلب می‌فرماید:

اعتراف کن و به تجدید عهد خود با خدای یگانه پرداز. در این روز، دعای امام حسین (ع) و امام سجاد (ع) و سایر ادعیه و اذکار را بخوان و به هر زبان و بیان که می‌توانی با خداوند راز و نیاز نموده، در حق دیگران دعا کن تا فرشتگان در حق تو دعا کنند (۲).

امام محمد باقر (ع) نیز فرمودند: «روز عرفه، هیچ سائلی دست خالی بر نمی‌گردد». (۳)

۱- فروع کافی، ج ۴، ص ۲۶۲؛ ر. ک: مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۰.

۲- مصباح الشریعه، و مفتاح الحقیقه، امام صادق ۷، ص ۴۷.

۳- وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۲۸۱.

د) عرفاتیان، مشمول مغفرت خاصه الهی اند

در برخی از روایت‌ها آمده که تنها وقوف در عرفه، می‌تواند بعضی از گناهان کبیره را بپوشاند. پیامبر اعظم، حضرت محمد (ص) می‌فرمایند:

مَا رَأَى الشَّيْطَانُ فِي يَوْمٍ هُوَ أَصْعَرُ وَلَا أَحَقَرُ وَلَا أَغْيَظُ مِنْهُ يَوْمَ عَرَفَةَ وَ مَا ذَلِكَ إِلَّا لِمَا يَرَى مِنْ نُزُولِ الرَّحْمَةِ وَ تَجَاوُزِ اللَّهِ عَنِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِذْ يُقَالُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَا يُكْفَرُهَا إِلَّا الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ. (۱)

دیده نشده شیطان در روزی کوچک‌تر، فرومایه‌تر و خشمگین‌تر از روز عرفه [باشد] و این حقارت و زبونی و خشمگینی شیطان در روز عرفه نیست، مگر بدین جهت که می‌بیند نزول رحمت و گذشت و بخشایش خدای را از گناهان بزرگ زائران؛ زیرا برخی گناهان است که آنها را نمی‌پوشاند و مورد بخشایش قرار نمی‌دهد، مگر وقوف در عرفات.

هنگام غروب روز عرفه، پیامبر اکرم (ص) به «بلال» فرمود مردم را ساکت کن تا مطلبی بگویم. وقتی همه ساکت شدند، فرمود: **إِنَّ رَبَّكُمْ تَطَوَّلَ عَلَيْكُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ فَغَفَرَ لِمُحْسِنٍ -كُمْ وَ شَفَعَ مُحْسِنٍ -كُمْ فِي مُسَبِّئِكُمْ فَافِيضُوا مَغْفُوراً لَكُمْ، إِلَّا أَهْلَ التَّبَعَاتِ فَإِنَّ اللَّهَ عَدْلٌ يَأْخُذُ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ. (۲)**

همانا خداوند بر شما منت گذاشت، نیکان شما را مشمول مغفرت کرد و به شفاعت نیکان، از تقصیر بدان گذشت. اینک حرکت کنید، در حالی که

۱- شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۵۸؛ ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۵.

ص: ۱۰۱

همه مشمول عفو و رحمت حضرت حق شده‌اید، مگر اهل تبعات [مقصود متجاوزان به حقوق مردم است]؛ چه آنکه خدا عادل است و حق ضعیف را از قوی خواهد گرفت.

امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند: «از پیامبر (ص) سؤال شد: مجرم‌ترین و گناه‌کارترین اهل عرفات کیست؟» پیامبر (ص) فرمود: الَّذِي يَنْصَرِفُ مِنْ عَرَفَاتٍ وَهُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ... (۱)

آن که از عرفات برگردد و گمان کند، مورد آمرزش خداوند متعال قرار نگرفته است.

امام صادق (ع) در توضیح این سخن می‌فرماید: «

يَعْنِي الَّذِي يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ» (۲)؛ «یعنی، کسی که از رحمت خداوند متعال مأیوس و ناامید باشد».

همچنین، پیامبر (ص) فرمود: «

مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبٌ، لَا تُغْفَرُ إِلَّا بِعَرَفَاتٍ» (۳)؛ «بخشی از گناهان، گناهانی هستند، که جز در عرفات بخشیده نمی‌شوند».

و نیز فرمود:

فَإِذَا وَقَفْتَ بِعَرَفَاتٍ... فَإِنْ كَانَ عَلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ رَمْلِ رَمَلٍ عَالِجٍ أَوْ بَعْدِ نَجْمِ السَّمَاءِ أَوْ قَطْرِ الْمَطَرِ لَغَفَرَهَا اللَّهُ لَكَ... (۴)

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۳۷؛ الجعفریات، ابوعلی محمد بن اشعث کوفی، ص ۱۱۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۰.

۲- همان؛ الجعفریات، ص ۱۱۳.

۳- الجعفریات، ص ۱۱۳، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۰. ر. ک: وافی، ج ۲، ص ۴۲؛ کافی، ج ۴، ص ۲۶۲.

۴- تهذیب، ابوجعفر محمد بن حسین طوسی، ج ۵، ص ۲۵.

ص: ۱۰۲

آن‌گاه که در عرفات وقوف کنی، چنانچه گناهانت به تعداد شن‌های شن‌زار یا ستارگان آسمان یا قطرات باران باشد، خداوند آنها را خواهد بخشید.

امام صادق (ع) فرمود:

هیچ مرد مؤمنی، از اهل هر روستا و شهری که باشد، در عرفات وقوف نکند، جز آنکه خداوند، اهالی مؤمن آن محل را ببخشد و هیچ مرد مؤمنی از خانواده‌ای با ایمان، در عرفات وقوف نکند، مگر آنکه خداوند، مؤمنان از آن خاندان را بیمارزد. (۱)

جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود:

آمرزش بر اهل عرفات در همان لحظه حرکت و لحظات آغازین روز عرفه نازل می‌شود. آن‌گاه شیطان بر سر خویش خاک ریخته، شیون و زاری می‌کند. پس دیگر شیاطین گرداگرد او جمع شده، می‌گویند: «تو را چه شده است؟!» می‌گوید: «مردمی که در مدت شصت، هفتاد سال نابودشان کردم، در یک چشم به هم زدن آمرزیده شدند». (۲) مراد شیطان، حاجیانی هستند که در عرفات حاضر شده‌اند.

پیامبر (ص) فرمود: «کسی که گوش و چشم و زبانش را در روز عرفه نگه دارد، خداوند او را از عرفه تا عرفه دیگر حفظ می‌کند».

(۳)

ابن عباس در مورد حدیث فوق آورده است:

فضل بن عباس (در عرفات)، کنار رسول خدا (ص) ایستاده بود و به زنان نگاه

۱- وافی، ج ۲، ص ۴۲.

۲- اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، ص ۱۵.

۳- همان، ص ۱۸.

ص: ۱۰۳

می‌کرد، پیامبر (ص) چشم او را برگردانید و فرمود: «امروز روزی است که اگر کسی گوش و چشم و زبانش را جز از حق، نگه دارد، گنااهش آمرزیده می‌شود». (۱)

ابن عباس می‌گوید:

پیامبر (ص) را در غروب روز عرفه در عرفات دیدم که دست‌هایش را تا سینه بالا آورده، دعا می‌کرد؛ همان‌گونه که مسکین از دیگران غذا طلب می‌کند. (۲)

در روایتی آمده که بیشترین ذکر رسول خدا (ص) در روز عرفه، این عبارت بود: «

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (۳)

عبداللّه بن گریز نیز می‌گوید که رسول خدا (ص) فرمود: «برترین دعا، دعای روز عرفه است». (۴)

ه) عرفات، در ورود به حرم

از امیرمؤمنان علی (ع) درباره راز وقوف در عرفات و عدم وجوب وقوف در حرم، سؤال شد، حضرت فرمود:

لَأَنَّ الْكَعْبَةَ بَيْتُهُ وَالْحَرَمَ بَابُهُ فَلَمَّا قَصَدُوهُ وَافِدِينَ وَقَفَهُمْ بِالْبَابِ

۱- اخبار مکه، ج ۵، ص ۲۱.

۲- همان، ص ۲۴.

۳- همان.

۴- همان، ص ۲۵.

ص: ۱۰۴
يَتَضَرَّعُونَ.

چون کعبه، خانه خداست و حرم، در آن خانه است. پس چون آهنگ آن را کنند خداوند آنها را کنار آن در نگه دارد تا به درگاهش تضرع کنند.

سؤال شد: چرا مشعرالحرام در حرم قرار داده شد؟ حضرت (ع) فرمود:

لَأِنَّهُ لَمَّا أُذِنَ لَهُمْ بِالْدُخُولِ وَقَفَهُمْ بِالْحِجَابِ الثَّانِي فَلَمَّا طَالَ تَضَرَّعُهُمْ بِهَا أُذِنَ لَهُمْ لِتَقْرِيْبِ قُرْبَانِهِمْ فَلَمَّا قَضَوْا تَفَثَهُمْ تَطَهَّرُوا بِهَا مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي كَانَتْ حِجَابًا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ أُذِنَ لَهُمْ بِالزِّيَارَةِ عَلَى الطَّهَارَةِ. (۱)

چون وقتی خداوند به زوار اذن دخول داد، آنها را در حجاب دوم نگاه داشت و هنگامی که تضرع آنها در آنجا به درازا انجامید، بدانها رخصت داد تا قربانی‌های خود را نزدیک کنند تا چون پلیدی و چرک خود را گذاردند و به قربانی‌ها از گناهی که میان آنها و خدا حجاب شده بود، پاک شدند، اجازه دهد با طهارت، بیت‌الله را زیارت کنند.

(و) مقام شفاعت

خداوند به حج‌گزار مقام شفاعت می‌دهد. اگر کسی توفیق زیارت خانه خدا را پیدا کرد، در آخرت از دیگران می‌تواند شفاعت کند. این مژده را امام جعفر صادق (ع) داد:

ص: ۱۰۵

کسی که در عرفات وقوف کند، برای هر کس دعا کند، اجابت می‌شود. حاجی شفاعتش برای فرزندانش، اهل خانه‌اش و همسایگانش پذیرفته می‌شود. (۱)

شفاعت فقط در اختیار خداست. افراد تنها با اذن خداوند می‌توانند به این مقام بزرگ دست یابند و تنها شفاعت این دسته از انسان‌هاست که پذیرفته می‌شود.

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا (طه: ۱۰۹)

در آن روز، شفاعت هیچ [کس] سود نبخشد، جز آن کسی که خدای رحمان به او اذن داده و از گفتار او راضی است. خداوند مقام شفاعت را به بعضی از انسان‌ها داده است. انبیا و اولیا، صاحبان شفاعت الهی‌اند. شهدا هم اجازه شفاعت دارند.

۳. عرفات در آیینۀ کلام بزرگان اهل سلوک

الف) توصیه‌های اخلاقی

عارف روشن ضمیر، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (رحمه‌الله) گوید:

منت‌های جدیت خود را به خرج بده که در عرفات، به کمال معرفت نائل شوی و بدان که اجتماع حاجیان برای دعا در یک میدان و صحنه واحد، به‌ویژه به لحاظ حضور صالحان و اهل باطن از ابدال و اوتاد یا غیر آنها از

ص: ۱۰۶

کاملان - که هیچ وقت حج از بعضی از آنان خالی نیست-، لامحاله با اجتماع دل‌ها و همت‌ها، برای طلب نزول رحمت و طلب باران، ابرهای جود و کرم که گردن‌ها کشیده و دیده‌ها خیره شده [برای آن] و تضرع و زاری و ابتهاج خود، شاید علت تامه اجابت دعا باشد و برای اجتماع دل‌ها و همت‌ها، تأثیر خاصی است در انجام مقاصد و وصول به مطالب. از این رو، گفته‌اند: «از عظیم‌ترین گناهان آن است که کسی در عرفات حاضر شود و گمان کند که خدای تعالی او را نیامرزیده است». (۱)

استاد عارفان، شیخ محمد بهاری همدانی نیز گوید:

در عرفات، از این ازدحام خلق و بلند کردن صداهای خودشان به انواع تضرع و زاری و التماس به اختلاف زبان‌ها و افتادن هر گروهی پی‌ائمه خودشان و نظر به شفاعت او داشتن، حکایت محشر را یاد آورد. اینجا کمال تضرع و الحاح را بکند تا آنجا مبتلا نشود و بسیار ظن قوی داشته باشد بر حصول مرادش؛ زیرا که روز شریف و موقف عظیم و نفوس مجتمع و قلوب به سوی الهی منقطع و دست‌های اولیا و غیرهم به سوی او -جلّ شأنه- بلند شده و گردن‌ها به سوی او کشیده شده، چشم‌ها از خوف او گریان و بندها از ترس او لرزان و روز، روز احسان و ابدال و اوتاد در محضر حاضر. بنای سلطان بر بخشش و انعام و همچنین روز خلعت‌پوشی صدراعظم دولت عَلَیْهِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَسَيَهِّلَ مَخْرَجَهُ [است]. در چنین روزی، استبعاد ندارد، حصول فیض به اعلا مدارجه بالنسبه به کافه ناس و

۱- المراقبات، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، ج ۲، ص ۲۲۵.

ص: ۱۰۷

خلایق. آیا گمان به خالق خود داری که سعی تو ضایع گرداند، یا اینکه منقطع شده‌ای از اهل و اولاد و وطن. آیا رحم نمی‌کند غربت تو را

«ما هَكَذَا الظَّنُّ بِهِ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِهِ» [چنین گمانی به او نیست و آنچه از فضل او معروف است، این نیست] و از اینجاست که در حدیث وارد شده [است]:

«من اعظم الذُّنُوبِ انْ يَحْضُرَ الْعَرَفَاتِ وَيُظَنَّ أَنَّهُ لَا يُغْفَرُ لَهُ» (۱).

عارف ربانی ملا احمد نراقی نیز نویسد:

[حج گزار] چون به عرفات حاضر شد، نظر به ازدحام خلایق کند و ببیند که مردمان به لغت‌های مختلف، صداها بلند کرده‌اند و هر یک به زبانی به تضرع و زاری مشغول‌اند و هر کدام به طریقه امام و پیشوای خود، آمد و شد می‌کنند [پس]، یاد آورد عرصه قیامت و احوال آن روز پر هول و وحشت را و پراکندگی مردمان را در آنجا، حیران و سرگردان و هر امتی به گرد پیغمبر و امام خود جمع شده و چشم شفاعت بر او انداخته. پس، چون به این فکر افتاد، دست تضرع بردارد و با نیت خالص به درگاه خدا بنالد که خدا حج او را قبول کند و او را در زمره رستگاران محشور سازد و چنان داند که نوید نخواهد شد؛ چه آنکه روز، روز شریف و موقف، موقف عظیمی است و بندگان خدا از اقطار زمین در آنجا جمع‌اند و دل‌های همه، به خدا منقطع است و همت‌های همه مصروف دعا و سؤال است و دست‌های همه به درگاه پادشاه بی‌نیاز بلند است و همگی چشم بر در فیض

۱- تذکره المتقین، شیخ محمدبهارى، صص ۹۱ و ۹۲.

ص: ۱۰۸

و رحمت او انداخته و گردن‌ها به لطف و کرم او کشیده و البته چنین موقفی از نیکان و اخیار خالی نیست، بلکه ظاهر آن است که ابدال و اوتاد ارض، در خدمت صاحب عصر در آنجا حاضرند. پس دور نیست که از حضرت ذوالجلال، به واسطه دل‌های پاک و نفوس مقدسه و رحمت برکافه مردمان، فائض شود و چنان گمان نکنی که همه این خلائق، آنجا جمع‌اند و با هزار امیدواری، راه دور و درازی پیموده و اهل و وطن را دور افکنده و کربت و غربت بر خود قرار داده و رو به در خانه چنین کریمی آورده‌اند، خداوند کریم همه را ناامید کند و سعی‌شان را نابود سازد و بر غریبی ایشان ترحم نکند؟ زینهار! زینهار! دریای رحمت از آن وسیع‌تر است که در چنین حالی تنگی کند و از این جهت، رسیده است که بدترین گناهان آن است که آدمی به عرفات حاضر شود و چنان گمان کند که خدا او را نیامرزیده است. (۱)

آری! میهمان حق، در عرفه با خدایش صحبت و راز و نیاز می‌کند و در مناجات خود، شرح پریشان‌حالی و درماندگی خود را، یک به یک یادآور می‌شود.

در این زمینه، صاحب کتاب «الحقایق» گوید:

در آنجا باید با کمال تضرع و زاری، به حضرت کردگار توجه پیدا کند تا وی را در جمله رستگاران و مرحومان قرار دهد و تیر آرزویش را به

۱- معراج السعادة، ملا احمد نراقی، صص ۷۰۰ و ۷۰۱؛ ر. ک: جامع السعادات، ملامهدی نراقی، ج ۳، ص ۳۹۴.

ص: ۱۰۹

هدف اجابت برساند. موقف [عرفات]، مکان شریفی است و رحمت واسعه الهی، به برکت نفس گرم او... ریزش دارد و شکی نیست که در عرفات، گروهی از صالحان و پاکیزه‌دلان موجودند و چون همه به اجتماع، از در زاری و تضرع درآیند و دست‌ها به جانب آسمان بلند سازند و گردن‌ها کشیده، چشم انتظار بگشایند و از وی طلب آمرزش کنند، بلاشک، آرزوهایشان برآورده شده و سعی‌شان مشکور است. (۱)

ب) داستان‌های عرفانی

اظهار پشیمانی از اعمال گذشته

روزبهان بقلی شیرازی، در عرفات ایستاده بود. وقت دعا، خلق دست برداشته بودند و دعا می‌کردند و حاجت می‌طلبیدند. جوانی را دید خاموش بود. شخصی بر او رفت و گفت: «ای جوان! زمان اجابت است. مکانی مکرم است و زمانی معظم. چرا دعایی نمی‌کنی و حاجتی نمی‌طلبی و دستی بر نمی‌داری؟»
گفت: «ای عزیز! چه کنم؟ اگر زبان است، آلوده است از غیبت و اگر دست است، در معصیت. دست و زبانی ندارم که شایسته آن باشد که حاجتی طلبم یا به دعایی بردارم. مرا روی خواستن و طلب کردن و گفتن نیست. اگر تو را هست، بگو و بخواه». (۲)

۱- الحقایق، ص ۵۳۶.

۲- روز بهان‌نامه، ص ۱۱۶؛ داستان عارفان، محمدتقی فعالی، صص ۴۴ و ۴۵.

ص: ۱۱۰

پاداش عمل

هزار بار پیاده طواف کعبه کنی قبول حق نشود گر دلی بی‌زاری (۱)

شخصی به نام عبدالجبار مستوفی به حج می‌رفت. او هزار دینار زر همراه خود داشت. روزی از کوچهای در کوفه رد می‌شد که اتفاقاً به خرابه‌ای رسید. زنی را دید که در آنجا جست‌وجو می‌کرد و دنبال چیزی بود. ناگاه در گوشه‌ای مرغ مرده‌ای را دید، آن را زیر چادر گرفت و از آن خرابه دور شد.

عبدالجبار با خود گفت: «همانا این زن احتیاج دارد، باید بینم که وضع او چگونه است؟» در عقب او رفت تا اینکه زن داخل خانه‌ای شد.

کودکانش پیش او جمع شدند و گفتند: «ای مادر! برای ما چه آورده‌ای که از گرسنگی هلاک شدیم؟» زن گفت: «مرغی آورده‌ام تا برای شما بریان کنم».

عبدالجبار چون این سخن را شنید، گریست و از همسایگان آن زن، احوالش را پرسید. گفتند: «زن عبدالله بن زید علوی است. شوهرش را حجاج کشته و کودکانش را یتیم کرده است. مروت خاندان رسالت وی را نمی‌گذارد که از کسی چیزی طلب کند».

عبدالجبار با خود گفت: «اگر حج خواهی کرد، حج تو این است». آن هزار دینار زر از میان باز کرد و به آن خانه رفت و کیسه زر را به زن

ص: ۱۱۱

داده، بازگشت و خودش در آن سال، در کوفه ماند و به سقایی مشغول شد. چون حاجیان مراجعه کردند و به کوفه نزدیک شدند، مردمان به استقبالشان رفتند. عبدالجبار نیز رفت. چون نزدیک قافله رسید، شترسواری جلو آمد و بر وی سلام کرد و گفت: «ای خواجه عبدالجبار! از آن روز که در عرفات، هزار دینار به من سپرده‌ای، تو را می‌جویم. زر خود را بستان». آن فرد ده هزار دینار به وی داد و ناپدید شد.

آوازی برآمد که ای عبدالجبار! هزار دینار در راه ما بذل کردی، ده هزار دینارست فرستادیم و فرشته‌ای را به صورت تو خلق کردیم تا از برایت هر ساله حج گزارد تا زنده باشی که برای بندگانم معلوم شود که رنج هیچ نیکوکاری به درگاه ما ضایع نیست. (۱)

غفار الذنوب

یکی از بزرگان پادشاه ستمگری را دید که در عرفات، پای برهنه روی سنگریزه‌های گرم ایستاده و دست به دعا برداشته بود و می‌گفت: «بار خدایا! تو تویی و من منم. کار من آن است که هر زمان سر تا پا غرق گناه شدم و کار تو آن است که غفار الذنوب هستی. بر من رحمت کن». یکی از بزرگان گفت: «بنگرید که جبار زمین پیش جبار آسمان چه راز و نیاز می‌کند». (۲)

۱- مصابیح القلوب، ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری، صص ۲۸۰ و ۲۸۱؛ الرسالة العلیه، صص ۹۴ و ۹۵؛ ریاحین، ج ۲، ص ۱۴۹.

۲- کشکول ناصری، ناصر کرباسیان، ص ۱۰۰.

رحمت بی‌منت‌های الهی

نقل است که «فضیل عیاض» روزی به عرفات ایستاده بود و در خلق نظاره می‌کرد و تضرع و زاری خلائق می‌شنید. گفت: «سبحان‌الله! اگر چندین خلائق نزدیک شخصی روند و از وی مقداری زر خواهند، ایشان را ناامید نگرداند. بر تو که خداوند کریم غفاری، آمرزش ایشان آسان‌تر است از مقداری زر بر آن مردم و تو اکرم الاکرمینی. امید آن است که همه را بیمارزی». (۱)

امید به درگاه خداوند

(۲)

زیر شمش-یر غمش، رقص کنان باید رفت کانکه شد کشته او، نیک سرانجام افتاد مالک بن دینار گوید که سفر حج کردم، جماعتی را در عرفات دیدم. به خود گفتم: «کاش می‌دانستم حج کدام یک از اینها مقبول است، تا او را تهنیت بگویم و حج کدام یک مردود است، تا او را تعزیت بدهم». در خواب دیدم گوینده‌ای می‌گوید: «خداوند همه این جماعت را به نعمت

۱- تذکره الاولیاء، عطار نیشابوری، ص ۷۵.

۲- آیه‌های بسیاری از قرآن کریم به امید بر رحمت خداوند اشاره دارند: قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ زمر: ۵۳ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ اعراف: ۵۶ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ سجده: ۱۶ رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ انبیاء: ۹۰

ص: ۱۱۳

مغفرت معزز فرموده، مگر محمد بن هارون بلخی را که حج او مردود است. زمانی که صبح شد، به نزد اهالی خراسان آمدم و از ایشان احوال محمد بن هارون بلخی را پرسیدم، گفتند: «آن مردی عابد و زاهد است. او را در خرابه‌های مکه باید پیدا کنی». بعد از گردش زیاد، او را در خرابه‌ای دیدم که دست او در گردنش بسته و زنجیر در پاهایش بود و او در حالت نماز است. همین که مرا دید، پرسید: «تو کیستی؟» گفتم: «مالک بن دینار». گفت: «خواب دیده‌ای؟» گفتم: «آری!» گفت: «هر سال مردی صالح مثل تو، در خصوص من خواب می‌بیند». گفتم: «سبب این امر چیست؟» گفت:

من شراب می‌خوردم، مادرم هم مانع می‌شد. روزی من با حالت مستی او را اذیت فراوان کردم و... پس از آنی که از مستی به حال آمدم، زخم مرا خبردار کرد که به چنین کار بدی دست زده‌ام. آن دست خودم را بریدم و پایم را به زنجیر بستم و هر سال، حج می‌کنم و دعا و استغاثه می‌نمایم و می‌گویم: «ای کاشف هم و غم! شفا ببخش هم و غم مرا و راضی فرما مادر مرا تا از جرم و تقصیر من عفو کند». این قدر بدان که بعداً از عمل خود دست کشیدم و ۲۶ غلام و کنیز آزاد کردم و...

مالک گوید: «گفتم ای مرد! نزدیک بود با این عملت، تمام روی زمین را بسوزانی». مالک گوید که همان شب، حضرت رسول (ص) را در خواب دیدم، فرمود:

ای مالک! مردم را از رحمت خدای تعالی محروم نگردان. دانسته باش که خدای تعالی به حال محمد بن هارون توجه فرمود و دعای او را مستجاب

ص: ۱۱۴

کرد و گناهانش را عفو نمود. او را خبردار نما که سه روز از روزهای دنیا، در میان آتش می‌ماند، خداوند دل مادر او را به وی مایل می‌کند و به ترحم می‌آورد و تا مادرش او را حلال می‌کند، مادر و فرزند هر دو با هم، داخل بهشت می‌شوند. مالک گوید:

من آمدم و خواب خود را به او نقل کردم. همین که این مژده را شنید، روح او از بدنش مفارقت کرد. من او را غسل دادم و کفن کردم. سپس بر او نماز خواندم و دفنش نمودم. (۱)

عرفات، تجلی‌گاه لطف الهی

روزی جناب میرزا مهدی آشتیانی در منزل مرحوم آیت‌الله حجت بودند. ایشان در آنجا چنین تعریف کردند که اینجانب دچار یک بیماری سختی شدم که برای معالجه آن، هم در کشور بسیار تلاش کردم و هم به خارج از کشور سفر کردم، اما معالجه نشد و از باز یافتن سلامتی خویش نومید شدم.

در سال ۱۳۶۵ه. ق که توده‌ای‌ها، تسلط شوم خود را بر شمال و آذربایجان استحکام بخشیدند، اینجانب با اتوبوس عازم مشهد بودم که در میان راه، حالم به هم خورد؛ به گونه‌ای که راننده و مسافران اتوبوس فکر کردند دچار سکت قلبی شده‌ام. به همین جهت، ماشین را متوقف کردند و مرا بیرون آوردند تا برای نجات من کاری بکنند.

۱- رنگارنگ، علی‌اکبر عماد، ج ۲، ص ۶۳.

ص: ۱۱۵

اما من در همان حال، در عالم دیگری بودم. دیدم که در صحرای عرفات هستم و انوار بسیاری در آنجا به آسمان پرتوافکن است و انبوه مردم بدان سو چشم دوخته‌اند، پرسیدم: «چه خبر است؟» گفتند: «پیامبر گرامی (ص) حضور دارند». به سوی آن حضرت رفتم که دیدم چهارده خیمه در کنار هم به یکدیگر نصب شده که بزرگ‌ترین آنها از آن پیامبر (ص) است. وارد شدم و ضمن عرض سلام، خواستم بیماری خود را بازگویم که پیامبر با مهر و محبت بسیاری فرمودند: «از آنجایی که شما زائر پسرم رضا هستی، برو به خود او بگو». به خیمه حضرت رضا (ع) رفتم و پس از عرض سلام، سه حاجتی که داشتم باز گفتم. آن حضرت جواب مرا دادند. در این حال بود که به هوش آمدم، دیدم در میان بیابان و در حلقه مسافران اتوبوس هستم. در آن محفل، آیت الله حجت اظهار داشتند:

من مدت‌ها در مورد این روایت که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَتَجَلَّى لِأَهْلِ عَرَفَاتٍ»؛ «خداوند تجلی می‌کند بر اهل عرفات»، می‌اندیشیدم و اکنون برای من روشن شد که تجلی خدا در عرفات، عبارت از تجلی پیام‌آور او بر مردم و تجلی خدا بر پیامبر گرامی (ص) و خاندان وحی و رسالت (علیهم‌السلام) است. (۱)

کی رف-تهای ز دل که تم-نا کنم تو را کی بودهای نهفته که پیدا کنم تو را
غیبت نکردهای که شوم طالب حضور پنهان نگشتهای که هویدا کنم تو را (۲)

۱- کرامات صالحین، محمدرازی شریف، صص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۲- فیض کاشانی.

ص: ۱۱۷

گفتار سوم: صحرای عرفات، صحنه نیایش اولیای الهی**اشاره**

مدعی خواست که آید به تماشاگاه راز دست غیب آمد و بر سینهنامحرم زد(۱).

۱. وقوف انبیای عظام (علیهم‌السلام) در صحرای عرفات**الف) حضرت آدم (ع) و صحرای عرفات**

خداوند متعال می‌فرماید:

فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (بقره: ۳۷)

آدم (ع) از پروردگارش کلماتی دریافت داشت [و با آنها توبه کرد] و خداوند، توبه او را پذیرفت؛ زیرا او توبه‌پذیر و مهربان است.

ص: ۱۱۸

طبق روایت امام صادق (ع)، حضرت آدم (ع) پس از خروج از جوار خداوند و فرود به دنیا، چهل روز هر بامداد بر فراز کوه «صفا» با چشم گریان در حال سجود بود؛ تا اینکه جبرئیل بر او فرود آمد و پرسید: «ای آدم! چرا گریه میکنی؟» حضرت آدم (ع) پاسخ داد: «چگونه میتوانم گریه نکنم، در حالی که خداوند مرا از جوارش بیرون رانده و در دنیا فرود آورده است». جبرئیل فرمود: «ای آدم! به درگاه خدا توبه کن و به سوی او باز گرد». حضرت آدم (ع) گفت: «چگونه توبه کنم؟» جبرئیل در روز هشتم ذیالحجه آدم را به منا برد. آدم (ع) شب را در آنجا ماند و صبح، با جبرئیل به صحرای عرفات رفت. جبرئیل به هنگام خروج از مکه، احرام بستن را به او یاد داد و به او لبیک گفتن را آموخت و چون بعد از ظهر روز عرفه فرا رسید، تلبیه را قطع و به دستور جبرئیل غسل کرد و پس از نماز عصر، آدم (ع) را به وقوف در عرفات واداشت و کلماتی که از پروردگار دریافت کرده بود را به وی تعلیم داد. این کلمات عبارت بودند از:

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي اغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

خداوندا! با ستایشت، تو را تسبیح میگویم. جز تو خدایی نیست کار بد کردم و به خود ظلم نمودم. به گناه خود اعتراف میکنم؛ تو مرا ببخش که تو بخشنده مهربانی.

حضرت آدم (ع) تا هنگام غروب آفتاب، همچنان دستش رو به آسمان بلند بود و با تضرع اشک میریخت. هنگامی که آفتاب غروب کرد،

ص: ۱۱۹

همراه جبرئیل، روانه مشعر شد و شب را در آنجا گذراند و صبح گاهان، در مشعر به پاخاست و در آنجا نیز با کلماتی به دعا پرداخت و به درگاه خداوند توبه کرد. (۱)

عرفات، جایگاه شناخت و معرفت خداوند متعال است. در عرفات، حجاب‌ها از جلوی چشمان حضرت آدم (ع) برداشته شد که در ساق عرش اسمای مقدّس خَمْسَةُ النَّجَبَاءِ را دید و به تعلیم جبرئیل گفت: «
یا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ یا عالی بِحَقِّ عَلِيٍّ یا فاطِرُ بِحَقِّ فاطِمَةَ یا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ... وَمِنْكَ الْإِحْسَانُ» .
همین که اسم امام حسین (ع) را بر زبان جاری کرد، اشک از چشم‌هایش ریخته، قلبش پریشان شد. سببش را از جبرئیل پرسید و جبرئیل مصیبت آن حضرت را بیان فرمود. حضرت آدم (ع) و ملائکه گوش داده، گریه میکردند. (۲)

ب) حضرت ابراهیم (ع) و صحرای عرفات

جبرئیل در ظهر روز عرفه، به ابراهیم (ع) گفت: «ای ابراهیم! به گناهان خود اعتراف کن و مناسک را بشناس». از این جهت که جبرئیل به آن حضرت گفت: «

إِعْتَرِفْ»، آنجا را عرفات نامیدند. در جهت شمالی این دشت، کوهی است که «جبل الرحمة» نام دارد. در این وادی، ابراهیم (ع)

۱- تفسیر برهان، سیدهاشم بحرانی، ج ۱، ص ۸۶.

۲- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۵.

ص: ۱۲۰

چگونگی عمل حج را از فرشته وحی جبرئیل آموخت و در برابر جبرئیل می‌فرمود: «
عرفتُ، عرفْتُ، عرفْتُ»؛ «شناختم، شناختم، شناختم».

ج) حضرت خضر (ع) و صحرای عرفات

امام رضا (ع) فرموده‌اند:

خضر (ع) از آب حیات نوشید. پس، زنده است و نمی‌میرد، تا در صور، دمیده شود. او نزد ما می‌آید و سلام می‌دهد و ما صدایش را می‌شنویم؛ ولی خودش را نمی‌بینیم. همانا او در آنجا حضور می‌یابد که یاد شود. پس هر یک از شما که او را یاد کرد، بر او سلام دهد. همانا او هر سال، در موسم حج، حضور می‌یابد و همه عبادات را انجام می‌دهد و در عرفات، وقوف می‌کند و به دعای مؤمنان، «آمین» می‌گوید. به زودی، خداوند به واسطه او، وحشت قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل می‌کند و تنهایی‌اش را به وسیله او، وصل می‌گرداند. (۱)

د) پیامبر گرامی اسلام (ص) و صحرای عرفات

دامنه کوه عرفات در زمان صدر اسلام، کلاس صحرائی پیامبر اسلام (ص) بود و بنا به گفته مفسران، آخرین سوره قرآن در صحرائی عرفات بر پیامبر (ص) نازل شد (۲) و پیامبر (ص) این سوره را که از جامع‌ترین

- ۱- کمال‌الدین، ابن بابویه قمی صدوق، ص ۳۹۰؛ به نقل از: الخرائج و الجرائح، حسن بن علی بن فضال، ج ۳، ص ۱۱۷۴. به نقل از امام عسکری ۷. همچنین ر. ک: بحارالانوار، ج ۱۳ ص ۲۹۹.
- ۲- تفسیر مجمع‌البیان، طبرسی، ج ۳، ص ۱۵۰؛ تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۳۰.

ص: ۱۲۱

سوره‌های قرآن و دارای پیمان‌های گوناگونی با ملل یهود، مسیحی و مسلمان و علمای آنهاست و قوانین و احکام کلی اسلام را در بردارد، به مردم و شاگردانش تعلیم فرمود.

طبق نقل مشهور میان محدثان، در چنین روزی، پیامبر (ص) در اجتماع عظیم و باشکوه حجاج فرمودند:

... ای مردم! سخنان مرا بشنوید؛ شاید دیگر شما را در این نقطه ملاقات نکنم. . . شما به زودی به سوی خدا باز میگردید. در آن جهان، به اعمال نیک و بد شما رسیدگی میشود. من به شما توصیه میکنم هر کس امانتی نزد اوست، باید به صاحبش برگرداند. هان ای مردم! بدانید ربا در آیین اسلام، اکیداً حرام است. از پیروی شیطان بپرهیزید. به شما سفارش میکنم که به زنان نیکی کنید؛ زیرا آنان امانتهای الهی در دست شما هستند، و با قوانین الهی بر شما حلال شده‌اند. . . (۱)

۲. حضور امام عصر (عج) در عرفات

اشاره

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید
صبا بگو که چها بر سرم درین غم عشق ز آتش دل سوزان و دود آه رسید
زشوق روی تو شاهها بدین اسیر فراق همان رسید کز آتش به برگ کاه رسید
مرو بخواب که حافظ به بار گاه قبول ز ورد نیم شب و درس صبح گاه رسید (۲)

۱- السیره النبویه، ابن هشام، ج ۴، ص ۲۵۰.

۲- حافظ.

ص: ۱۲۲

امام سجاد (ع) در دعای روز عرفه خود، می‌فرماید:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَيَّدْتَ دِيْنَكَ فِى كُلِّ اَوْانٍ يَّامَامٍ اَقَمْتَهُ عَلَمًا لِّعِبَادِكَ، وَ مَنَارًا فِى بِلَادِكَ بَعِيدًا اَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيْعَةَ اِلَى رِضْوَانِكَ، وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَ حَيَّدْتَهُ مَعْصِيَتَهُ، وَ اَمَرْتَ بِامْتِنَالِ اَوْامِرِهِ، وَ الْاِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَ اَلَّا يَتَقَدَّمَ مَتَقَدِّمًا، وَ لَا يَتَاخَّرَ عَنْهُ مُتَاَخِّرًا، فَهُوَ عِصْمَةُ اللّٰئِيْدِيْنَ، وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَ عَزْوَةُ الْمُتَمَسِّكِيْنَ، وَ بَهَاءُ الْعَالَمِيْنَ.

خدایا! در هر زمان دین خویش به امامی یاری بخشیده‌ای که او را برپای داشته‌ای تا علم راهنمای بندگانت شود و در بلاد تو چراغ فروزان هدایت گردد و در رشته پیمان او، به رشته پیمان خود پیوسته‌ای و او را وسیله خشنودی خود ساخته‌ای و اطاعت او را فریضه گردانیده‌ای و مردم را از سرکشی در برابر او برحذر داشته‌ای و فرمان داده‌ای به هر چه امر می‌کند، اطاعت کنند و از هر چه نهی می‌کند، باز ایستند و کسی بر او پیشی نگیرد و کسی از او واپس نماند و او نگهدار کسانی است که بدو پناه می‌برند و امان مؤمنان است و حلقه اعتصام ایشان است و جلال و جلوه جهانیان است.

اگرچه حُسن فروشان به جلوه آمده‌اند کسی به حسن و ملاحظت به یار ما نرسد
به حق صحبت دیرین که هیچ محرم راز به یار یک جهت حق گزار ما نرسد
هزار نقش بر آید ز کلک صنع یکی به دل‌پذیری نقش نگار ما نرسد
هزار نقد به بازار کائنات آرند یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد

الف) مغنم شمردن فرصت حضور در سرزمین عشق

فرصت شمار صحبت کز این دو راه منزل چون بگذریم دیگر، نتوان به هم رسیدن زائر خانه خدا، باید از این فرصت به دست آمده و شرایط استجاب دعا استفاده کند و خودش را در میان صدها هزار دست و قلب و زبانی که به یاد خدا به حرکت و اهتزاز در آمده‌اند، بیندازد و از برکت این مکان شریف و زمان مقدس و احترام زائران و مهمانان، به‌ویژه قافله‌سالار این کاروان، حضرت مهدی (عج) که همه ساله در موسم حج و موقف عرفات تشریف فرما هستند، بهره بگیرد و این بشارتی برای ما سیه‌رویان و گنه‌کاران است؛ زیرا در روایتی از امام صادق (ع) آمده است:

يَقْفِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ فَيَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ. (۱)

مردم امام خود را گم می‌کنند؛ او در موسم حج در بین مردم است و آنها را می‌بیند، ولی آنها او را نمی‌بینند.

محمد بن عثمان عمری از نواب خاص امام زمان (عج)، درباره حضور صاحب‌الامر (عج) در عرفات چنین می‌گوید:

وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ يَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَيَرَوْنَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ. (۲)

سوگند به خدا که صاحب‌الامر هر سال در موسم حاضر است، مردم را می‌بیند و می‌شناسد. مردم نیز او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند.

۱- کمال‌الدین، ص ۳۴۶.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

ب) حکایت‌هایی در مورد وصال به حضرت ولی‌عصر (عج)**یاری حجاج به وسیله امام عصر (عج)**

شخصی از اهل مدائن گوید: من با رفیقم به حج رفته بودیم. چون به موقف عرفات رسیدیم، جوانی را دیدیم نشسته و لنگ و روپوشی در بر کرده و نعلین زردی در پا دارد. لنگ و روپوش او به نظر من ۱۵۰ دینار ارزش داشت و علامت و اثر سفر در او نبود. گدایی نزد ما آمد، او را رد کردیم. سپس نزد آن جوان رفت و سؤال کرد، جوان چیزی از زمین برداشت و به او داد. گدا او را دعا کرد و زیاد و جدی هم دعا کرد. سپس جوان برخاست و از نظر ما پنهان شد. ما نزد آن سائل رفتیم و به او گفتیم: «عجبا! به تو چه عطا کرد؟» گفت: «او به ما ریگ طلای دندانه‌داری نشان داد که قریب بیست مثقال بود». من به رفیقم گفتم: «مولای ما نزد ما بوده و ما ندانستیم و آن‌گاه به جست‌وجویش برخاستیم و تمام موقف را گردش کردیم و او را به دست نیاوردیم». سپس از جمعیتی که اطرافش بودند از اهل مکه و مدینه، راجع به او پرسیدیم، گفتند: «جوانی است علوی که هر سال پیاده به حج می‌آید». (۱)

بدین ترتیب، از ظهور معجزه به دست آن حضرت که سنگ را طلا کرد، دریافتند که او، امام عصر (عج) است. ولی پیداست که دلالت این روایت بر دیدن آن حضرت چندان روشن نیست.

ای دل! اگر عاشقی، در طلب یار باش

صاحب معالم، امام زمان (عج) را در عرفات زیارت کرد. صاحب درالمنثور آورده است که از بعضی از استادان خود و غیر ایشان شنیدم که هرگاه شیخ حسن (صاحب معالم الاصول) از برای حج می‌رفت، به اصحاب خود می‌گفت: «از خدای عزوجل امید دارم که به زیارت جمال بی‌کمال حضرت صاحب‌العصر و الزمان (عج) مشرف شوم؛ زیرا آن حضرت هر سال به حج تشریف می‌آورد». پس چون شیخ حسن در مناسک حج، وقوف عرفه را به‌جا آورد و خواست که در گوشه تنهایی، به فراغ خاطر، مشغول ادعیه عرفه شود، به اصحاب خود فرمود: «از خیمه بیرون روید و بر در خیمه نشسته، مشغول دعا باشید».

در این اثنا، شخصی داخل خیمه شد که شیخ حسن او را نمی‌شناخت و سلام گفت و نشست. شیخ حسن گوید: «از آمدن او، هیبت بر من غالب شد و مبهوت شدم و قدرت بر سخن گفتن نداشتم. پس او با من سخن گفت به کلامی که یاد ندارم. سپس برخاست و چون از خیمه بیرون رفت، چیزی که امید آن را داشتم، به خاطر رسید. با عجله تمام برخاستم، پس او را ندیدم و از اصحاب خود پرسیدم. گفتند: ما کسی را ندیده‌ایم که داخل خیمه شما شده باشد» (۱).

۱- نجوم السماء، فی تراجم العلماء، محمدعلی آزاد کشمیری، ص ۷.

ص: ۱۲۶

بدین ترتیب، سرزمین عرفات، همچون مغناطیس و آهن‌ربا که آهن را به خود جذب می‌کند، عارفان و عاشقانِ یگانه معشوق عالم هستی را به سوی خود می‌کشاند و از همین روست که این سرزمین مقدس را سرزمین عشق نام نهادیم؛ سرزمینی که عشق مخلوق به خالق و عبد به معبود به زیبایی متجلی می‌شود.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَاجْعَلْنَا مِنَ الْمُتَنظِّرِينَ لظُهُورِهِ وَاجْعَلْ خَاتِمَةَ أَمْرِنَا خَيْرًا وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

ص: ۱۲۷

کتابنامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. احقاق الحق و ازهاق الباطل، القاضی السید نورالله الحسینی المرعشی التستری، تعلیقات: آیت‌الله العظمی السید شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی، قم، منشورات مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی، بی‌تا.
۲. احکام القرآن (آیات الاحکام)، محمد بن عبدالله اندلسی اشیلی (ابن عربی)، به کوشش: علی محمد بجاوی، بیروت دارالفکر، بی‌تا.
۳. اخبار مکه، محمد بن احمد بن علی فاکهی مکی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴. ارشاد القلوب، حسن بن ابی‌الحسن محمد الدیلمی، مترجم: سید هدایت‌الله مسترحمی، تهران، کتابفروشی مصطفوی، ۱۳۸۰هـ. ق.
۵. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، بی‌جا، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام)، ۱۴۱۳هـ. ق.

ص: ۱۲۸

۶. التوحید، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق)، بی‌جا، انتشارات علمیه اسلامی، بی‌تا.
۷. اسرار العبادات و حقیقه الصلاة، محمد سعید بن محمد مفید (قاضی سعید قمی)، بی‌جا، چاپ دانشگاه، بی‌تا.
۸. أشهر المساجد فی الإسلام، سید عبدالمجید بکر، بی‌جا، بی‌تا.
۹. اصول کافی، ثقة الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، ترجمه و شرح: سیدجواد مصطفوی و سیدهاشم رسولی، بی‌جا، انتشارات علمیه اسلامی، بی‌تا.
۱۰. اقبال الاعمال، سید رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، محقق: جواد القیومی الاصفهانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ه. ش.
۱۱. امالی، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۱۳ ه. ق.
۱۲. امالی، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق)، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۳۴۹ ه. ش.
۱۳. انوار التنزیل و اسرار التأویل، ابوسعید بیضاوی، بیروت، العلمی، ۱۴۱۰ ه. ق.
۱۴. اوصاف الاشراف، محمد بن محمد نصیرالدین طوسی، بازنویسی: سید محمدرضا غیائی کرمانی، قم، مؤسسه انتشارات ظهور، ۱۳۸۵ ه. ش.
۱۵. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق.
۱۶. البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم حسینی بحرانی، قم، بعثت، ۱۴۱۵ ه. ق.

ص: ۱۲۹

۱۷. البلدالأمین، ابراهیم بن علی بن الحسن کفعمی عاملی، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۱۸ه. ق.
۱۸. بهجة الآمال فی شرح زبده المقال و منتهی الآمال، ملا علی علیاری تبریزی، بی‌جا، بی‌نا.
۱۹. تاج العروس، محب الدین ابوالفیض السید محمد مرتضی الحسینی الواسطی الزبیدی الحنفی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۰. تاریخ مدینه دمشق، ابوالقاسم علی بن حسین بن هبة الله بن عبدالله بن الحسینی دمشقی شافعی (ابن عساکر)، تصنیف، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ه. ق.
۲۱. تجلی حکمت نظری عاشورا در نیایش عرفه، سید عباس اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸ه. ش.
۲۲. تحف العقول عن اخبار آل الرسول، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین ابن شعبه حرانی الحلبی، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۳۹۴ه. ق.
۲۳. تذکره الاولیاء، عطار نیشابوری، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات بهزاد، ۱۳۷۳ه. ش.
۲۴. تذکره المتّقین، شیخ محمد بهاری، قم، انتشارات نهانندی، بی‌تا.
۲۵. ترجمه دعای عرفه امام حسین (ع)، ابوالحسن شعرانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۶. تفسیر البرهان القاطع، ابن فهد حلی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۷. تفسیر دعای سحر، روح الله موسوی خمینی، ترجمه: سید احمد فهری، قم، انتشارات دارالکتاب، بی‌تا.

ص: ۱۳۰

۲۸. تفسیر سوره مبارکه حمد، روح الله موسوی خمینی، بی‌جا، انتشارات وحدت، بی‌تا.
۲۹. تفسیر قرطبی، محمد بن احمد الانصاری القرطبی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۰. تفسیر کبیر، فخر رازی، ترجمه: علی اصغر حلبی، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱ ه. ش.
۳۱. تفسیر کشف الاسرار، ابوالفضل رشیدالدین میبدی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۲. مفاتیح الغیب، فخر رازی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
۳۴. تنبیه الغافلین (آیات نازله در شأن ائمه الطاهرین)، مرتضی علم الهدی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۵. تهذیب الاحکام، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید حسن خراسانی، تصحیح: شیخ محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ه. ش.
۳۶. توحید مفضّل (یا شگفتی‌های آفرینش از زبان امام صادق (ع))، مفضّل بن عمر، ترجمه و نگارش: نجفعلی میرزایی، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۵ ه. ش.
۳۷. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق)، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

ص: ۱۳۱

۳۸. جامع السعادات، مهدی بن ابی ذر نراقی، مترجم: سیدجلال الدین مجتبیوی، بی‌جا، حکمت، ۱۳۸۶هـ. ش.
۳۹. الجعفریات (الاشعثیات)، ابوعلی محمد بن اشعث کوفی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۰. حج در اندیشه اسلامی، سیدعلی قاضی عسکر، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۱. الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، محمد محمدی ری‌شهری، چاپ اول، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶هـ. ش.
۴۲. الحقائق، محمّد بن مرتضی مولى محسن فیض کاشانی، ترجمه و شرح: محمدباقر ساعدی خراسانی، انتشارات علمیه اسلامیة، بی‌تا.
۴۳. الخرائج و الجرایح، قطب الدین راوندی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۴. الخصال، ابی جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق)، تهران، مکتبه صدوق، ۱۳۸۹هـ. ق.
۴۵. خلاصه معراج السعاده یا مقامات العلیه، حاج شیخ عباس قمی، بی‌جا، راه علم، ۱۳۸۵هـ. ش.
۴۶. دیوان اشعار حافظ، خواجه شمس‌الدین محمّد حافظ شیرازی، تهران، جاویدان، ۱۳۶۸هـ. ش.
۴۷. دارالسلام فیما یتعلّق بالرؤیا و المنام، حسین بن محمّد تقی نوری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۸. داستان عارفان، کاظم مقدم، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۹. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدّین سیوطی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳هـ. ق.

ص: ۱۳۲

۵۰. دعائم الاسلام، نعمان بن محمّد نعیمی مغربی، مصر، دارالمعارف، بی تا.
۵۱. دعای عرفه ترجمه تصویری، عبدالکریم بی آزار شیرازی، بی جا، بی نا، بی تا.
۵۲. دیوان اشعار، صائب تبریزی، بی جا، بی نا، بی تا.
۵۳. دیوان اشعار، فروغی بسطامی، بی جا، بی نا، بی تا.
۵۴. دیوان اشعار، مجذوب (مجذوب تبریزی)، بی جا، بی نا، بی تا.
۵۵. دیوان اشعار، محمد شمس الدین بافقی، بی جا، بی نا، بی تا.
۵۶. دیوان اشعار، ناصر خسرو علوی، بی جا، بی نا، بی تا.
۵۷. دیوان اشعار، نظامی گنجوی، بی جا، بی نا، بی تا.
۵۸. دیوان اشعار، وحشی بافقی، بی جا، بی نا، بی تا.
۵۹. ربیع الأبرار، محمود بن عمر زمخشری، بی جا، بی نا، بی تا.
۶۰. الرسالة العلیة فی احادیث النبویة، کمال الدین حسین کاشفی سبزواری، به کوشش: محدث ارموی، چاپ دوم، بی جا، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ه. ش.
۶۱. رنگارنگک، علی اکبر عماد، بی جا، بی نا، بی تا.
۶۲. روزبهان نامه، محمدتقی دانش پژوه، بی جا، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸ ه. ش.
۶۳. ریاحین الشریعة، ذبیح الله محلاتی، بی جا، بی نا، بی تا.
۶۴. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، حاج شیخ عباس قُمی، بی جا، بی نا، بی تا.

ص: ۱۳۳

۶۵. السنن الكبرى (سنن بیهقی)، احمد بن حسین بیهقی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۶۶. السنن الكبرى، ابن شعیب النسائی، تحقیق: عبدالغفار سلیمان البنداری، سید کسروی حسن، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ه. ق.
۶۷. السیره النبویه، ابو محمد عبدالملک بن هشام، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۶۸. شرح حال شاعران ایران، سیداحمد حسینی کازرونی، بی جا، بی نا، بی تا.
۶۹. شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، بی جا، بی نا، بی تا.
۷۰. شرح نهج البلاغه، ابوالقاسم خویی، بی جا، بی نا، بی تا.
۷۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، قاهره، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۷ ه. ق.
۷۲. شفاء الغرام، تقی الدین حسنی فاسی، بی جا، بی نا، بی تا.
۷۳. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بی جا، بی نا، بی تا.
۷۴. صحیفه مبارکه سجّادیه، ترجمه: فیض الاسلام، تهران، ۱۳۷۵ ه. ق.
۷۵. صهبای حج، عبدالله جوادی آملی، بی جا، بی نا، بی تا.
۷۶. طاقدیس، ملا احمد نراقی، بی جا، بی نا، بی تا.
۷۷. طبیب دل‌ها، صادق حسن زاده، بی جا، انتشارات آل علی (ع)، ۱۳۸۱ ه. ش.
۷۸. العبقری الحسان، شیخ علی نهاوندی، بی جا، بی نا، بی تا.
۷۹. علل الشرایع، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق)، نجف اشرف، مکتبه حیدریّه، ۱۳۸۶ ه. ق.

ص: ۱۳۴

۸۰. الغدير في الكتاب و السُّنة و الأدب، شيخ عبدالحسين اميني، بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۳۹۷هـ. ق.
۸۱. الغيبة، ابى عبدالله محمد بن ابراهيم النعماني، بي جا، بي نا، بي تا.
۸۲. الفتوحات المكيه، محيى الدين ابى عبدالله محمد بن على (ابن عربى)، بيروت، دارصادر.
۸۳. فرهنگ عميد، حسن عميد، بي جا، سازمان انتشارات جاويدان، بي تا.
۸۴. فروع الكافى، ثقة الاسلام ابى جعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق كلينى رازى، بي جا، بي نا، بي تا.
۸۵. فروغ خاور، بودا، بي جا، بي نا، بي تا.
۸۶. كتاب الصيام شهر رمضان المبارك، على كريمى جهرمى، بي جا، بي نا، بي تا.
۸۷. كرامات صالحين، محمد شريف رازى، بي جا، بي نا، بي تا.
۸۸. كشف الاسرار و عدة الابرار، رشيد الدين ميبدي، تهران، انتشارات امير كبير، ۱۳۶۱هـ. ش.
۸۹. كشكول ناصرى، ناصر كرباسيان، بي جا، برهان، ۱۳۸۹هـ. ش.
۹۰. كليات ديوان شمس تبريزى، محمد بن محمد بن الحسين البلخى (جلال الدين مولوى)، مقدمه: بديع الزمان فروزان فر، تصحيح و حواشى: م درويش، تهران، سازمان انتشارات جاويدان علمى، ۱۳۴۶هـ. ش.
۹۱. كمال الدين، ابى جعفر محمد بن على بن الحسين بن موسى بن بابويه (شيخ صدوق)، بي جا، بي نا، بي تا.

ص: ۱۳۵

۹۲. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، علاءالدین علی بن عبدالملک (متقی هندی)، نزیل مکة المشرفة، چاپ اول، حیدرآباد، ۱۳۱۳ ه. ق.
۹۳. الکنی و الالقاب، حاج شیخ عباس قمی، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ ه. ش.
۹۴. گزیده برکات حضرت ولی عصر (عج)، سیدجواد معلم، چاپ دوم، بی‌جا، تک‌سوار حجاز، بی‌تا.
۹۵. گناهان کبیره، سید عبدالحسین دستغیب، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۹۶. لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظوم، بیروت، بی‌نا، بی‌تا.
۹۷. لطائف الاشارات، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۹۸. لغت‌نامه، علی اکبر دهخدا، زیر نظر: محمد معین و جعفر شهیدی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ه. ش.
۹۹. مثنوی گلشن راز، شیخ محمود شبستری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۰۰. مثنوی معنوی، محمد بن محمد بن الحسین البلخی (جلال‌الدین مولوی)، به سعی و اهتمام و تصحیح: رینولد آیلن نیگلسون از روی نسخه طبع ۱۹۲۵-۱۹۳۳ م.
۱۰۱. مجله میقات حج، جمعی از نویسندگان، شماره ۱۰.
۱۰۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی فضل بن حسن الطبرسی، تحقیق: لُجْنَةُ من العلماء بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۵ ه. ق.
۱۰۳. المحاسن، شیخ ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی برقی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

ص: ۱۳۶

۱۰۴. المَحَجَّةُ البِيضَاءُ فِي تَهْذِيبِ الْأَحْيَاءِ، مُحَمَّدُ بْنُ مَرْتَضَى مَوْلَى مُحَمَّدِ بْنِ فَيْضِ كَاشَانِي، تَحْقِيقٌ وَ تَعْلِيقُهُ: عَلِيُّ أَكْبَرَ غَفَّارِي، چاپ دوم، بی‌جا، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
۱۰۵. مرآة الحرمين، ایوب صبری پاشا، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۰۶. المراجعات، سید شرف‌الدین موسوی عاملی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۰۷. المراقبات فی أعمال السنه، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۰۸. مسالك الافهام فی شرح شرايع الاسلام، زين الدين بن علي العاملی الجبعی (شهید ثانی)، قم، مکتبه البصیرتی، بی‌تا.
۱۰۹. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، بیروت، تحقیق: مؤسسه آل‌البت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ه. ق.
۱۱۰. مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل، چاپ اول، بیروت، المکتب الاسلامی، بی‌تا.
۱۱۱. مسند، ابوعلی الموصلی، تحقیق: حسین سلیم اسد، چاپ دوم، بیروت، دمشق، دارالمأمون للتراث، ۱۱۰۴ ه. ق.
۱۱۲. مصابیح القلوب، ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری، تصحیح: دکتر محمد سپهری، چاپ اول، بی‌جا، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳ ه. ش.
۱۱۳. مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، امام صادق (ع)، ترجمه و شرح: حسن مصطفوی، بی‌جا، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ ه. ش.
۱۱۴. مصباح الهدایه إلى الخلافة و الولاية، روح الله موسوی خمینی، تهران، پیام آزادی، بی‌تا.

ص: ۱۳۷

۱۱۵. معارف و معاریف، مصطفی حسینی دشتی، قم، دانش، ۱۳۷۶ ه. ش.
۱۱۶. معالم مکة التاریخیه و الأثریه، عاتق بن غیث بلادی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۱۷. معانی الاخبار، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق)، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۱۸. معجم البلدان، یاقوت بن عبدالله حموی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۱۹. معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث البلادی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۲۰. معراج السعاده، ملا احمد نراقی، بی‌جا، انتشارات علمیه اسلامی، بی‌تا.
۱۲۱. المغازی، محمد بن عمر واقدی، تحقیق: مارسدن جونز، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹ ه. ق.
۱۲۲. مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۲۳. مکارم الاخلاق، رضی الدین طبرسی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۲۴. ملاقات با امام زمان (عج)، ابوالفضل سبزی، بی‌جا، انتشارات عصر رهایی، بی‌تا.
۱۲۵. من لا یحضره الفقیه، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق)، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، منشورات جامعه المدرسین، بی‌تا.
۱۲۶. المناسک و اماکن طرق الحج و معالم الجزیره، ابراهیم بن اسحاق حربی، ریاض، چاپ حمد جاسر، ۱۴۰۱ ه. ق.
۱۲۷. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، لطف الله صافی گلپایگانی، چاپ سوم، طهران، بی‌جا، مکتبه الصدر، بی‌تا.

ص: ۱۳۸

۱۲۸. منتهی الآمال، حاج شیخ عباس قمی، چاپ ششم، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۱ ه. ش.
۱۲۹. المنجد فی اللغه و الاعلام، الاب لويس معلوف اليسوعی (قسمت لغات) و الاب فردينان توتل اليسوعی (قسمت اعلام)، چاپ بیست و سوم، بیروت، دارالمشرق، بی تا.
۱۳۰. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۳۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۹۳ ه. ق.
۱۳۲. نجم الثاقب، حسین بن محمد تقی طبرسی نوری، بی جا، سازمان انتشارات جاویدان، بی تا.
۱۳۳. نجوم السماء فی تراجم العلماء (شرح حال علمای شیعه قرن‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ه. ق)، آزاد کشمیری، محمدعلی بن محمدصادق، مصحح: میرهاشم محدث، بی جا، امیرکبیر، ۱۳۸۷ ه. ش.
۱۳۴. نیایش امام حسین (ع) در عرفات، محمدتقی جعفری، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۳۵. نیایش در عرفات، لطف الله صافی گلپایگانی، قم، انتشارات حضرت معصومه ۳، بی تا.
۱۳۶. نیایش، الکسیس کارل، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۳۷. الوافی، محمد بن مرتضی مولى محسن فیض کاشانی، تصحیح و تحقیق: ضیاء الدین علامه، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۴۱۲ ه. ق.

ص: ۱۳۹

۱۳۸. وسائل الشیعه، محمد بن حسن عاملی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ ه. ش.

۱۳۹. وصیت‌نامه الهی سیاسی، روح الله موسوی خمینی، بی‌جا، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌تا.

۱۴۰. یوم الخلاص، کامل سلیمان کتان، بی‌جا، بی‌تا.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
 وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۳۱-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹
 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

